



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویب نامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی و قانونی سؤالات

شماره تلفن: ۸۸۹۴-۸۸۹۵ - ۸۸۹۶-۵۴۴۸

سال پنجم - شماره ۱۲۳۸

صفحه ۴۲۱۸

۴شنبه ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۲۸

فیز: سید محمد باشمی

دوره یازدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۶۹۷

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

صورت مشروح بقیه مذاکرات صد و پنجاه و هفتمین
جلسه دوره یازدهم از صفحه ۱ تا ۱۶
۲ - آگهی های رسمی ۱۷

مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۱۵۷

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز چهارشنبه ۳۱ فروردین ماه ۱۳۲۸

فهرست مطالب:

۱ - بقیه استیضاح آقای دکتر بقائی.

مجلس ساعت ده و ربع صبح بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید.

رئیس - چون جلسه قبل بعنوان نفس ختم شده آقای دکتر بقائی دنباله بیانات خودشانرا ادامه میدهند.

۱ - بقیه استیضاح آقای دکتر بقائی

دکتر بقائی - آقایان میدانند که ملت ایران یک ملت بسیار با ذوقی است و کمتر در دنیا نظیر ملت ایران پیدا میشود که حتی قصابها و کشاورزها و هر طبقه دیگری در عین بیسوادی روحشان آنقدر لطیف باشد که بتوانند شعر بگویند، در اروپا شاعری که سواد نداشته باشد تقریباً هیچوقت پیدا نمیشود و این هم یکی از افتخارات ملت ایرانست، خیلی نکته های ظریف را میسجد صبحی یک دوست ناشناسی یادداشتی برای من فرستاده بود که بیمناسبت نمیدانم در اینجا یادآوری کنم، نوشته بود که در شب در مرقمی که تو آن آیه شریفه را از قرآن خواندی مجلس از اکثریت افتاد زیرش نوشته بود خدا بیامرزد شیخ سمدی را که فرمود، دیو بگریزد

از آن قوم که قرآن خوانند این را از لحاظ اراداتی که بهمکاران محترم دارم تذکر میدهم چون در باقیمانده نظم کرا را مجبور باستاد آیات مقدسه قرآن هستم دقت کنید هنگامی که آیه مقدس از قرآن شریف تلاوت میشود از جلسه بیرون نروند این خوب نیست. قبل از ورود بمطلب میخوام از کسانی که دیشب به پیشنهاد دوست عزیزو همکار صمیمی و کمک من در این مبارزه یعنی جناب آقای مکی رای دادند تشکر کنم در این مبارزه ای که من شروع کرده ام دو نفر بن از دل و جان همراهی کردند و راهنمایی کردند، از مجلس یکی جناب آقای حائری زاده و دیگر جناب آقای مکی در خارج از مجلس هم دوستان صمیمی و فداکاری داشتم یا در این جریان پیدا کردم ولی از مجلس غیر از این دو نفر کسی بمن کمک استادی و فکری نکرد، البته از آقایان محترم متشکر هستم که مرابانواع واقسام حمایت کرده اند و کمک کرده اند و جلسه دیشب هم

برای من برده های بسیاری را بالا زد زیرا هنگامی که پیشنهاد دوست عزیزم مکی برای گذاشته شد در ابتدا چند نفری قیام کردند و بعد از آنها چند نفر دیگر ویس از آنها چند نفری نیم خیز شدند و من معذک از این شجاعتشان تشکر میکنم زیرا میدانم که خود را بخطر انداخته اند و میدانم همین دیشب از بعضی ها بازخواست شد که چرا باین پیشنهاد رای دادید ولی ضمناً چیزهای دیگر هم دیدم و آن این است که دیدم بعضی از دوستان صمیمی من در این مجلس با کمال عجز و بیچارگی و خجلت سرخودشان باین انداخته بودند و رای ندادند، توجه کردید که وقتی پیشنهاد برای گذاشته شد چندین بار من سراسر مجلس را نگاه کردم چند نفر وقتی که چشمشان بچشم من افتاد و حالت خستگی مرا دیدند بلند شدند چند نفر هم برای اینکه چشمشان بچشم من نیفتد سرشان را پائین انداخته و رای ندادند ولی من هیچگاه اسمشان را ذکر نخواهم کرد فقط از کسانی که رای دادند و من کاملاً وجدان دارم باین که خودشان را بخطر انداخته اند تشکر میکنم و توجه هم دارم که فشار برای گذراندن نظامنامه سنا خیلی زیاد شده است و باید نظامنامه هرچه زودتر در مجلس بتصویب برسد. جناب آقای رحیمیان مرفوم فرموده اند روزنامه اطلاعات نوشته است که دکتر بقائی اظهار داشته که رحیمیان و آراد بطور پنهانی بمن مدرک داده و کمک کرده اند این جریان را صد در صد تکذیب میکنم

عین بقیه مذاکرات مشروح یکصد و پنجاه و هفتمین جلسه از یازدهمین دوره قانونگذاری

اداره تدوین و تحریر صورت مجلس

فقط تنها کسی که ... (رحیمیان - من از آزادی دفاع میکنم ولی اهل پنهانی نیستم) تشکر میکنم ولی تنها کسی که در تهیه مدارک بمن کمک کرده است جناب آقای حائری زاده که آن عکسی را که دنباله صحبتش را خواهم کرد تهیه کردند و جناب آقای مکی این دو نفر هستند که تمام اطلاعات و مدارک خودشانرا در اختیار بنده گذاشتند بنده هنوز فرصت نکرده بودم که پرونده تصویبات ناروای هیئت دولت را باز کنم ولی چون این اطلاعاتی که به بنده رسید جزو آن پرونده نیست و یک جوان شجاعی خودش را بخطر انداخته و از وزارت دارائی برای من آورده است این را فرائض میکنم تا جناب آقای گلشانیان که مراد اینجاست متهم بسفسطه کردند بگویم این سفسطه است آنکسی که از این تصویبنامه استفاده کرده است شخصاً او را نمی شناسم و حتی شنیده ام آدم بدی هم نیست نگویید توهین کردم مقصودم این است که این هم یکی از آن تصویب نامه های بیرویه ای است جناب آقای ساعد که در دولت شما اجراء شده است تصویب نامه شماره ۱۹۴۸۵ مورخ ۲۷/۱۲/۲۸ که بشماره ۶۹۱۵۱ وزارت دارائی ثبت شده وزارت دارائی هیئت وزیران در جلسه ۷ اسفند ماه ۱۳۲۷ تصویب نمودند از مبلغ ششصد هزار ریال بدهی جناب آقای ابوالفتح والانتبار بیانک تعاونی سه مبلغ صدو پنجاه هزار ریال در سال جاری و بقیه آن در سال ۱۳۲۸ از اعتبار دولت پرداخت شود

تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است از طرف نخست وزیر دکتر فاطمی و دستور اجرای آن در تاریخ ۱۹/۱۲/۱۳۲۷ با امضای جناب آقای گلشانیان که مرا متهم بسفسطه میکنند داده شده است و من از آن جوان باصمیمیت و حرارتیکه خودش را بخطر انداخت و بدون سابقه آشنائی این سندرا برام آورد از پشت این تریبون تشکر میکنم. همچنین تمام هردان وزران شهادت و غیر تمدنیکه بوظیفه مقدس ایرانیت خود عمل کرده و بمن کمک کرده اند تشکر میکنم. جناب آقای ساعد سرانرا بر گردانیدو باین لژها نگاه کنید اینها نیامده اند اینجا که حرفهای مرا بشنوند اینها نمایندگان ملت ایران هستند و آمده اند بیننده که آیا این نوکر ایران بوظیفه خود درست عمل میکند یا نه و آیا دردهای آنها را درست بازگو میکند یا نه؟ بله بعد از آنکه مزدوران انگلیس مرا متهم بداشتن روابط با توده ایها کردند مشتدیم که مزدوران روسی مرا متهم بداشتن روابط با انگلیس و آمریکا میکنند یک نفر میگوید این باروس هاست یکنفر میگوید که این با انگلیس هاست یکنفر میگوید با آمریکا است از این حرفها افتخار میکنم زیرا آن بیچارگان مزدور که قائم بذات نیستند نمیتوانند تصور کنند که ممکن است یک ایرانی پیدا شود که مزدور خارجی نباشد و چون هر کدام از ناحیه خودشان اطمینان دارند نوکر انگلیس میگوید این نوکر روس است آمریکا میگوید این نوکر انگلیس است ولی من هیچکدام آنها نیستم ولی کسانی که این حرفها را میزنند کسانی هستند که نمیتوانند تصور کنند هنوزم در این مملکت کسی پیدا میشود که نوکر ایران باشد ولی میدانم که قاطبه ملت ایران با من همراه است و من

دردهای او را میگویم نه، غلط گفتم من دردهای او را نمیگویم او از زبان من صحبت میکند. یک موضوع دیگر راهم عنبر خواهی میکنم آن اینست که در روز چون لازم بود ضمناً مجلس زود تشکیل شود هیئت سازمان عالی خدمات اجتماعی لطف کردند و هیئت را تشکیل ندادند که وکلادر مجلس حاضر باشند و منم هیچ نمیگویم که چه طور تضییق هست و چه طور فشار هست و در چه تضییقاتی من دارم صحبت میکنم، نمیخواهم روضه بخوانم. صحبت ما در شب در موقعی قطع شد که آن سندی را که عکسش را از راه دادم خوانده بودم ولی هنوز توضیحاتی داده نشده بود برای یادآوری کردن مواد را با صرف نظر کردن از مقدمه میخوانم «ماده یکم- رئیس ستاد ارتش ایران مسئول امور فنی ارتش شناخته شده معاون یکم وزارت جنگ محسوب و از بین بهترین امراء ارشد که تمام مراحل فرماندهی را طی کرده و معرفت کامل دارا باشند بنا بپیشنهاد شورای عالی جنگ انتخاب و در مقابل پارلمان مسئول امور فنی ارتش ایران شناخته میشود.» ماده ۲- شورای عالی جنگ (یعنی آن کسی که باید انتخاب رئیس ستاد را بکند) از بین بهترین امراء یا افسران ارشد بنا بر موافقت ستاد و وزارت جنگ تعیین و کلیه مسائل فنی و مهمه ارتش که دارای آئین نامه خاصی نیست در مقابل این هیئت مطرح و بحث خواهد شد» آقایان میدانند که امروز دیگر مقتضیات جهان اجازه نمیدهد که یک ناپلئون یا یک هیتلر پیدا شود و دیکتاتور باید در رج دوم باشد نمیتواند در رج اول باشد و بمقتل هم نزدیکتر است زیرا وقتی که در رج دوم بود هدف تمام خلافتکارها مقامات بالاتر از او خواهد بود، هر چه فشار و مضیقه و آزادی کشی پیدا شود بمقامات بالاتر منتسب خواهد شد و هر چه خدمت بشود بمقام دیکتاتور منتسب خواهد شد، برای این خوب فهمیده است که بهتر میتوان از پس پرده حکومت کرد حالا این دو ماده را توضیح میدهم، اول ماده دوم شورای عالی جنگ رئیس ستاد را انتخاب میکند حدمم نگذاشته اند که کی معزولش میکنند و چه وقت معزول میشود شورای عالی جنگ رئیس ستاد را انتخاب میکند شورای عالی جنگ را کی انتخاب میکنند؟ رئیس ستاد پس همانطور که بعضی هارا بیعضی محافلی که اگر اسم ببرم توهین میشود میفرستد تا دستور ارتش را اجرا کند. البته ده تا افسر هم میتواند پیدا کند که شورای عالی جنگ را تشکیل بدهند و او را انتخاب کنند خوب این شوری دیگر چکار میکنند؟ در مسائل مهمه فنی بحث میکنند تصمیم نمیگیرند تصمیم با مقام معظم ریاست ستاد است، پس ملاحظه میفرمائید که شورای عالی جنگ هم مثل تمام دارالشورا های دیگر فقط مسائل را مطرح و بحث خواهد کرد تصمیم را از باب خواهد گرفت، بیش از این فرصت نیست راجع باین موضوع صحبت کنم، نامه های پیشماردیگری هم هست ولی موقع خواندن آنها نیست، آقایان میدانند که من خودم یکی از مترضین بتصویبنامه های کابینه جناب اشرف قوام السلطنه بودم و تا آنجائی که مقدور بود چه در مجلس و مخصوصاً در کمیسیون بودجه در مقابل یک اکثریت شریفی از نمایندگان مجلس کرا از این موضوع را طرح کرده ام ولی موفق نشدم راجع باین تصویبنامه ها من خیلی کنجکاو بودم و خیلی تصویبنامه های عجیب و غریبی بود سه تا تصویبنامه کوچک هست که آنها را برای

استحضار آقایان عرض میکنم یکی اگر بخاطر داشته باشید در خرداد ماه ۱۳۲۵ بنا بدهوت انگلستان چند نفر افسر و یک دسته پیاده برای حریمت بانگالستان تعیین شدند که سر لشکر محترم حاجی علی رزم آراء نیز جزو آنها بود ولی بواسطه مأموریت کردستان از این مأموریت معاف گردید و با وجود اینکه تأمین وسائل مسافرت و هزینه مهمانخانه و غذا و غیره بمعده دولت انگلستان بود معهدا برای پول جیبی قرار شد که مبلغی بهر نفر بلیزه انگلیسی پرداخت شود و میبایستی به تیمسار معظم سر لشکر رزم آراء در صورتی که بانگالستان میرفت ۶۲۵ لیره انگلیسی پرداخت گردد، با وجود اینکه در آن موقع مشارالیه مأموریت دیگری داشت و برای آن مأموریت هم خرج سفر و فوق العاده میگرفت معهدا یک تصویب نامه ای صادر شد که میخوانم (تصویبنامه شماره ۱۴۷۸۸ مورخ ۲۵/۵/۳۲ وزارت دارائی هیئت وزیران در جلسه ۲۵/۳/۲۲ تصویب نمودند که از اعتبار واکنداری برای هیئت اعزامی بانگالستان آنچه بتیمسار سر لشکر رزم آراء تعلق میگرفته است بمشارالیه پرداخت گردد تا خساراتی که برای تهیه این مسافرت وارد شده است جبران گردد اصل تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است) اما خسارت میگویند گفته بودند برود متحمل خسارات شد؛ خساراتش چیست؟ خساراتش این است که ایشان برای این سفر باید یک لباس شیک نو داشته باشند بدیهی است باید هم داشته باشند فرض میکنیم این لباس هزار تومان ۱۵۰۰ تومان یا دو هزار تومان دیگر بیشتر که نمیشود فرض کنیم مخلفاتش هم هزار تومان چکمه از ۵۰۰ تومان که بیشتر نمی شود همه هم داد میزنند که این نایفه ما ساده است زندگی ساده است تجمل پرست نیست، دیگر فکر نمیکنم با این صفاتی که برایش ذکر میکنند چکمه بیش از پانصد تومان بخرد، صصد تومان هم میگویم برای کلاهش دوست تومان هم نماند برای نشانهایش دیگر بیشتر از ۳ هزار تومان نمیشود آنوقت ۶۲۵ لیره ارز میگردد یعنی قریب سیزده هزار تومان، و ما حالا بیایم به بینیم که ایشان چه خدمتی کرده اند در آن مأموریت کردستان، دو تا تصویبنامه راجع باین مأموریت هست که آنها راهم میخوانم ۱- بوجوب تصویبنامه شماره ۲۲/۵/۲۶ مورخ ۲۵/۳/۲۲ تصویبنامه آن ۶۰۰ لیره مال ۲۵/۳/۲۲ بود این تصویبنامه مال ۲۵/۳/۲۱ است؛ جهت مخارج محرمانه و تبلیغاتی مبلغ سیصد هزار ریال از اعتبارات ۱۳۲۵ دولت در اختیار تیمسار سر لشکر رزم آراء که عازم مأموریت شمال باختر میباشد گذارده میشود ۲- بوجوب تصویبنامه شماره ۸۱۹۸-۶۶۱ مورخ ۱۲/۳/۲۲ در جلسه ۱۳/۳/۲۵ تصویب شد مبلغ دو صد هزار ریال دیگر برای مخارج سری و تبلیغاتی با اختیار تیمسار سر لشکر رزم آراء بگذارند و این سر لشکر محترم (صحبت آنوقت است) در قسمت سفر شخصاً فرماندهی نیروهای مترکز کردستان را بدست گرفت و یکی از مقتض ترین عملیات نظامی را انجام داد که فرصت توضیح ندارم آقایان هم میدانند (دهقان - یعنی کردستان را نجات داد شما با زور حق میگذارید رزم آرا کردستان را با عملیات خودش نجات داد نمایندگان کرد نشسته اند از شان پیرسید) (عباسی - پانه، سفر همه اینها را نجات داد) آقای عباسی نگذارید دهن من باز شود و سوابقی را بگویم (زنک

متد رئیس) (رئیس آقای عباسی بنشینید) (کشاورز صدر - آقایان حرفها چه چیز است رزم آراء کردستان را نجات داد) پرو و افوریکش. (دهقان - جناب آقای دکتر بقائی) بنده چون فرصت ندارم که وارد جزئیات بشوم در اینجا راجع بعملیات خرد ماه ۲۵ در کردستان و راجع بمعامی بارزانیها که از وسط منطقه پراز قوای ما ششصد نفر در طول چند صد کیلومتر از خاک عراق آمدند و بروسیه رفتند راجع باین دو موضوع اعلام جرم میکنم و خواهش میکنم کمیسیون برای رسیدگی باین موضوع تعیین شود تا در آن کمیسیون مدارک و اطلاعات خودم را عرضه بدارم من جناب آقای دهقان راجع بمعامی بارزانیها خیال نکرده بودم چیزی بگویم شما و جناب آقای عباسی مرا مجبور کردید و از شما آن شخص بازخواست خواهد کرد که چرا زبانتش را باز کردید

دهقان - این قضایا باید مورد رسیدگی قرار گیرد
رئیس - آقای دهقان مجلس را شلوغ نکنید
دهقان - بمن خطاب نکنند
دکتر بقائی - بعنوان ماده ۱۰۹ بیاید جواب بدهید برای همین است (دهقان - مسخره باز برآ کنار بگذار) جناب آقای احمد دهقان اصفهانی نماینده خلخال بد کتر بقائی استاد دانشگاه میفرمایند مسخره باز (خنده نمایندگان) (دهقان - تکرار هم میکنم) (کشاورز صدر - خجالت بکش من الان عرض میکنم با ستاد ۱۰۹) آقای کشاورز صدر کشیدن دو جور است یک نوع باو افور میکند یکی هم قاچاقش را میبرند میکشند.

کشاورز صدر - خفه شو بیشر چرا بینده بد میگوید.
رئیس - آقای کشاورز صدر بنشینید ساکت باشید آقای دکتر بقائی مجلس را متشنج نکنید.
کشاورز صدر - چرا بمن توهین میکند؟
دکتر بقائی - خوب این قسمت هم اضافه شد افتخار میکنم.
کشاورز صدر - نمیخواهد افتخار کنی

دکتر بقائی - افتخار میکنم آقای در چند روز پیش در پرورش افکار سخنرانی بود راستی یادم رفت که از جناب آقای دکتر زنک هم معذرت خواهی بکنم که این سخنرانی که میبایستی امروز راجع باصلاحات فرهنگ در کانون هدایت افکار بکنند بعلم وجود مجلس گویا بتعمیق افتاد (دکتر زنک - نغیر سخنرانی شد) خوشوقت که فرهنگ اصلاح شد و یکی از اصلاحات این است یکی از دوستان فرهنگی من مینویسد تقاضا دارد از جناب آقای دکتر زنک که وزیر محترم فرهنگ علت اینکه برای داوطلبان امتحانات نهائی مبلغ پانصد ریال منظور داشته اند و بدین وسیله سدی در جلوی تحصیلات جوانان کم سرمایه ایرانی ایجاد نموده اند چیست؟ بلی آقای دکتر بعد از این چون ما با قدمهای سریع باید بطرف تمان برویم کسانی که دارای سرمایه کافی نیستند نباید بتوانند تحصیلات متوسطه بکنند فقط آن کسانی که دارای ثروت سرشار هستند و نمیگویم که بعضی هایشان از کجا بدست آورده اند آنها باید بتوانند تحصیل کنند ولی اولاد من و امثال من نباید بتوانند تحصیل کنند عرض کنم

دکتر بقائی - افسوس کدر موقعیت خاصی که قرار گرفته ام نمیتوانم بدون مدارک و سند صحبت کنم اگر میتوانستم بدون مدرک حرف بزنم و بقول من اعتماد میفرمودید اسرار قتل مرحوم سرتیپ شهاب را میگفتم اگر حرف مرا می پذیرفتید اسرار فرماندهی کل بلوچستان را میگفتم ولی چه سود و این شخص با آنچه که گفتم میخواهد دیکتاتور بشود و شده است (زنک رئیس)

رئیس - آقای دکتر بقائی بیخود چیزهای نگویید که حقیقت ندارد پیش بینی بی اساس هم نکنید.

دکتر بقائی - چشم چیز های بی اساس نمیگویم این شخص معظم برای انتخابات مؤسسان لیست تهیه میکند و دستور میدهد که نمایندگان برای مؤسسان انتخاب شوند تا منظور های شوم خود را عملی نماید اینجایک قسم نامه ای هست یک قسم نامه ای هست که میخوانم برای آقایان: امضاء کنندگان زیر (این قسم نامه را ملت ایران تهیه کرده) امضاء کنندگان زیر بوجدان و شرافت خود و مقدمات مذهبی خود و بناموس مادر خود قسم میخورم که انتخابات مجلس مؤسسان که طی فروردین ماه ۲۸ انجام گرفت طبیعی بوده و هیچ نوع فشاری هم در کار نبوده و لیستی هم از طرف تیمسار معظم سیه رزم آراء رئیس محترم ستاد ارتش در این خصوص تهیه نشده بوده است این قسم نامه ای است که ملت ایران بمن الهام کرد تهیه نسخ آن هم مقدور است.

رئیس - اینها چیست آقای دکتر اینکهربطی با استیضاح ندارد.

دکتر بقائی - الان توضیح میدهم هر کس که خلاف اینرا مدعی است هر کس که میگوید این انتخابات طبیعی بوده این قسم نامه را امضاء کند بدهید امضاء کنند.

امامی اهری - شما برای انتخاب خودتان این حرفها را میزنید.

رئیس - اینکه وضع مجلس نیست نمیگذارید کار تمام شود.

دکتر طباطبائی - بدهید بنده امضا کنم.

دکتر بقائی - ۰۰۰ در این قسم نامه علاوه بر مقدمات مذهبی و وجدان و شرافت ناموس مادر هم ذکر شده است و کلمه انتخابات هم اعم است آقای دکتر طباطبائی نوشته ام انتخابات نائین این قسم را برای انتخابات طهران هم میخورید انتخابات مؤسسان نه انتخابات حوزه خودتان هر کس کمی خواهد باید برای انتخابات تمام ایران امضا کند.

رئیس - این اصلا چه اساسی دارد؟

دکتر بقائی - ۰۰۰ البته کسی نمیگوید که دوغ من ترش است البته من هم این توقع را ندارم که کسی بیاید بگوید من را توی لیست گذاشته بودند انتخاب شدم هر یک از ماها میگویم که وکیل طبیعی حوزه خود هستیم این طبیعی بشر است آقای دکتر طباطبائی خودتان بهتر میدانید که لیستها چه جور تهیه شده

دکتر طباطبائی - بنده میدانم چه طور تهیه شده

خسرو هدایت - شامم برای انتخاب خودتان در دوره یازدهم بناموس مادر قسم بخورید (زنک رئیس)

دکتر بقائی - ۰۰۰ برای اینکه من آنطور که

قبلا هم گفتم من روی شخصیت خودم انتخاب نشدم روی ارادتی که مردم بیدر من داشتند و به صوری من داشتند سرا انتخاب کردند بلی آقای موضوع جالب توجه دیگری هم هست که موضوعش یکفردی دقیق است آقای دکتر توجه بفرمائید این شخص سیاست موازنه را خوب حفظ کرده است و این یک کار بسیار خوبی است آقایان میدانید که رادویی مسکو و رادویی فرقه دربار کوبه نمدانم آنجاها هرشب چه توهینات و چه فحش ها و حرفهای ناروا و غیر قابل تحلی نسبت به بعضی از مقامات ما یاوه سرائی میکرد میدانید که چه توهین ها و چه فضولی هائی نسبت بمقام شامخ سلطنت و خانواده سلطنتی میکرد ولی یک نکته خیلی دقیق هست که نسبت به تیسار معظم رئیس محترم ستاد هرگرایان رادیوها از طریق ادب خارج نشده اند العاقل یکفه الاشارة (دهقان - از آقای دکتر بقائی هم تعریف کردند) (زنک رئیس) آنرا هم بخود کردند نه نسبت بایشان دو سه بار صحبت شده آنهم خیلی با احترام و خیلی شل من اطلاع دارم آقای محمد علی خان (محمد علی مسعودی - من اینها را همه اش را دارم و بجه فحش میدهند) (زنک رئیس) بلی بجه فحش میدهند ولی بایشان نمیدهند این یک نکته ای است که باید بهش توجه بشود خیلی خوشوقتیم که ایشانرا کنار گذاشته اند و بایشان فحش نمیدهند فقط خواستم در خاطر شوندگان باشد که در قبال جسارتها و فضولی هائی که نسبت بمقام سلطنت و خاندان سلطنتی با آن لعن زنده و رکیک میشود و نسبت به بسیاری از رجال ما نسبت بایشان چیزی گفته نمیشود من فقط اظهار خوشوقتی کردم خوب کاری میکنند دو کلمه دیگر هم باید بگویم برای دفاع از يك دوست غیابی و آن اینست که آقای مهندس رضوی اگر آقایان خاطرشان باشد يك حرفی زد در اینجا که مورد تعرض و حمله قرار گرفت حمله های خیلی شدیدی گفت که توی امراء ارشد ما سه نفر فرمانده حسابی وجود ندارد همه تعرض کردند و تهدید توی حرفش داد و قال کردند ولی اخیراً يك موضوعی پیدا شد که بنظر من آنهم یکفردی عجیب آمد همان کسانی که داد زدن ما افسران بزرگ ارشد حسابی خیلی داریم این يك کتابی است این يك کتابی است این كتاب را من نوشته ام نوشته ام او را هم نمی شناسم او را ندیده ام . این يك شخصی است که از طرف ستاد ارتش ماموریت باور داده اند مسافرت کرده است با آذربایجان و با حق بازرسی یادگانها و اینها من میخواهم بدانم توی این ارتش که ما اینهم افسران حسابی و چیز فهم داریم چطور شده است يك غیر افسر را برای اینکار معین کرده اند و البته كتاب سربایش تبلیغ است برای تیسار معظم سبهد رزم آراء رئیس محترم ستاد ارتش این شخص مسافر هرجا که رفته فوری تلگراف کرده جواش رسیده است که فوراً درست کنید و دو ساعت درست شده و آنهم ابلاغ کرده است . با سفرها سلام افسری ابلاغ کرده است و سربازها سلام سربازی ، همه جا رفته و این کتاب در چاپخانه ارتش بطبع رسیده است و باقیش را خودتان میدانید ولی بیست سال پیش هم یعنی بیست و چهار پنج سال پیش هم نظیر این کتابها اینگونه نشریه ها برای يك شخصی نوشته میشد که در آنموقع وزیر جنگ بود

و نگوئید که من توهین کردم زیرا من با شخص یعنی اعلیحضرت فقید کمال احترام را دارم اگر امروز اینجامی توانم صحبت کنم برای اینست که در نتیجه فکر او من موفق شدم بارویا بروم و تحصیل کنم و الا خانواده من استطاعت اینکه من را برای تحصیل بفرستند نداشت من تکذیب نمیخواهم بکنم ولی همانطور که در عربیه سرگشاده با اعلیحضرت همایونی عرض کرده ام استدعا کرده ام تاریخ را بدون پیرایه و شاخ و برگ بخوانند و بخوانند که در یک روزی يك شخصی در این مملکت سلطنت میکرد باسم احمد شاه قاجار و يك شخص دیگری وزیر جنگ بود باسم رضاخان سردار سپه ، درست است که آن رضاخان سردار سپه تا آنجایکه مقدرش بود با این مملکت خدمت کرد و آنچه خرابی شد بسبب آن اطرافیان نالایق وقت او بودند او خدمت کرد ولی معذکتاباید فراموش کرد که يك روزی احمدشاه را از این مملکت راندند و تاریخ باید برای همه و مخصوصاً برای مقامات عالی و برای سیاستمداران عبرت باشد و بجانب آقای ساعدت کرد میدهم که بعد از این سمی بفرمایند که تجانس هم آهنگی در بین دستگاههای دولتی وجود داشته باشد و از ایشان سؤال میکنم که چرا پس از موافقت دولت و پس از صدور تصویبنامه مؤسسان ستاد ارتش دستور داد که راجع بدخواست مؤسسان ابراز احساسات بشود در صورتیکه این دستور ستاد ارتش میبایستی قبل از آن جریاناتی که سابقاً عرض کردم صادر شده باشد یعنی بایستی اول دستور بدهند بعد مرم اظهار کنند بعد در مجلس منعکس شود بعد دولت بعرض اعلیحضرت برساند و فرمان صادر شود ولی عمل برعکس شد اول اعلیحضرت فرمودند بعد هیئت دولت بعد و کلاً در خارج از جلسه مجلس و بعد که همه اینها تمام شد آنوقت یکدفعه دستور صادر شد که ابراز احساسات بشود و در این جریان خیلی چیزهای گفتنی است که قسمت اولش در تهران است آقایان محترم بخاطر دارند که در موقع انتخابات دوره پانزدهم یکمده از رجال سیاسی که معترض بودند يك کار بسیار غلطی کردند که عبارت از تصحیح در دربار بود (صحیح است) در حالیکه نیبایستی هیچگاه در اینگونه امور شاه را طرف قرار دهند (صحیح است) مقام سلطنت منزه است و نباید او را وارد این امور کرد و آن رجال محترم اینکار غلط را هم کردند و بعد رفتند بعنوان اعتراض بانتخابات تهران در دربار متحصن شدند . زمان گذشت بقول يك شعری که در اتاق آقای اکیاتانی هست نوشته است از نیسی دفتر ایام برهم میخورد ، از ورق گردانی لیل و نهار اندیشه کن و منم روزی چهل دفعه این شعر را میخوانم چون جلو چشم است ولی بعضیها اندیشه نمیکند ، خلاصه ورق بر گشت و انتخابات مجلس مؤسسان پیش آمد این معترضین آنوقت را توی لیست نوشتند گفتند که اینها باید انتخاب بشوند ، ملت هم البته شاهما که اینجا هستند با خبرتان هست که چطور هجوم آورد دستورهای رای ، جز عجیبی است ، وقتی ملت هجوم بیاورد ایکاش آن هجوم حقیقی را بیارود و چیز عجیبی دیده شد آن انتخابات مفتضح دوره پانزدهم در تهران و حومه تهران باتمام زسبات و جانفشانی هائی که دوست عزیزم جناب

آقای خسرو هدایت کشیدند حداکثر آراء بهشتاد هزار رسید ، تهران و حومه ، ولی چون میدانید که ما در اثر این جریان هائیکه خودتان میدانید با قدم های سریع بطرف تمدن پیش میرویم ، با قدمهای سریع بطرف تمدن پیش میرویم ایندفعه مردم تهران بقراریکه در روزنامه ها نوشته اند فقط در شهر تهران توجه داشته باشید حومه هم جزش نبوده ، ۱۶۸ هزار نفر رای دادند و این راتازه تقبیل دادند حالا بعد جریان تقلیلش را عرض میکنم چیست ، عرض کنم که انتخابات تمام شد حالا راجع بقرائت آراء و تعرفه ها خیلی چیزهای گفتنی هست ، حرف ندارم ، انتخابات تمام شد و دیدیم که آن متحصنین دربار شاهنشاهی و معترضین بانتخابات قوام السلطنه ای با ۸۰ هزار و نود هزار رای انتخاب شدند ، آقایان ، امان از بی پرسنسی (صحیح است) امان از بی پرسنسی آن کسیکه در آنموقع معترض بود که این انتخابات صحیح نیست چطور تن در میدهد که با انتخابات مفتضح تری انتخاب بشود؟ اینهاهم کدامان که پرسنپ داشته باشند بایستی مثل جناب آقای دکتر مصدق در خانه خودشان بشینند و مداخله نکنند من باز تکرار میکنم فرمایش ارسطو را که فرمود من افلاطون را دوست میدارم ولی حقیقت را دوست تری دارم ، من تعجب میکنم از آن دوست من که در موقعی که در این مجلس دفاع از حق میکرده که ضمناً نفع او بود او که میداند یقانونی و کفالتکاری در انتخابات چه چیز است چطور خودش می رود از کجرا برای مؤسسان انتخاب میشود ، من تعجب میکنم از دوست بزرگوار خودم جناب آقای سید محمد صادق طباطبائی که چطور قبول و کالت مجلس مؤسسان را کردند (حائری زاده - معلوم نیست قبول کرده اند خوب اگر رد کردند من هم حرفهای خودم رایس میگرم آقایان امان از بی پرسنسی ، امان از بی پرسنسی هر چه میکشیم ازین است و تمام کسانی که در آنجا معترض بودند اگر قبول و کالت مؤسسان را بکنند آنوقت بیاد بیاورید که من پریشان عرض کردم نعوذ بالله ازین رجال صدر مشروطیت ، من همیشه دستورمولای بزرگوار علی بن ابیطالب را بکار میبرم که فرمود انظروالی اقال ولانظروالی من قال یعنی بیین چه میگویی نگر که میگویی حق را از هر کسی میشو شدنبندول آنکس آدم بدی باشد در این مجلس بیست این تریبون در موقع طرح اعتبارنامه جناب آقای تقی زاده آقای عباس اسکندری که راجع باو حرف نسیزم صحبت هائی کرد يك پیش بینی هم کرد مدت ها گذشت من همیشه منتظر بودم که جناب آقای تقی زاده جوابی باین صحبتها بدهند البته قبلا هم عرض کنم که من در مقابل مراتب فضل و دانش جناب آقای تقی زاده سر تنظیم فرود میآورم و ایشان را یکی از استادان مسلم زبان فارسی و یکی از مورخین عالیقدر و با ارزش این مملکت میدانم و از این حیث بجانب ایشان نهایت ارادتمندی را دارم ولی بهمان دستوریکه حضرت امیرداده میز را بعد از یکسال و اندی انتظار خاطر من هست در اصفهان بودم و در آنجا جواب جناب آقای تقی زاده را که بآن اتهامات قبلی گفته شده بود درج کردند و من هم خواندم خواندم که ایشان خلاصه اینطور فرموده بودند که بلی در دوره اعلیحضرت فقید فشار بود و این نفت را آوردند و اگر من آنرا امضاء نمی کردم يك سس دیگری امضاء میکرد و تأثیری نداشت

جان من هم میفرمت برای حفظ جان خودم امضاء کردم (حاذقی - اینطور فرمودند منتهای فداکاری را کردند) جناب آقای حاذقی وسط حرف من حرف نزنید البته من انتظار چنین جوابی را از ایشان نداشتم برای اینکه این جواب جواب یقینلی بقال است ارجل سیاسی نباید از این چیزها بترسد و بگوید من از جانم تریسیدم و امضاء کردم و من قول شرف میدهم که در همانموقع با تمام فشاری که انگلیسها داشتند که نفت مارا ببرند اگر دو نفر امثال تقی زاده پیدا شده بود و در مقابل اراده اعلیحضرت فقید جان خودش را کف دست گذاشته بود و گفته بودند امضاء نمیکنم حتی اگر مرا بشکند من با اطلاعاتی که از روحیه وطن پرستی اعلیحضرت فقید دارم قول شرف میدهم که این خیانت نفت با این مملکت نمیشد ولی آقایان بیخود حمله نکنید خودتان را بجای آن شخص وطن پرست بگذارید همین حالا هم این موضوع هست خودتان را بجای آن شخص بگذارید می بینید وقتی اشخاصی مانند تقی زاده که مورد پرستش ملت ایران است که در راه مشروطیت جانبازی کرده است فداکاری کرده است ارویا هم بوده است اطلاعاتش هم از من بیشتر است و قتی که این شخص تصویب میکند شما بجای اعلیحضرت فقید بودید تسلیم نمیشدید ؟ آقایان انصاف داشته باشید انصاف داشته باشید آن شخص را اینها گمراه کردند این خیانتها اطرافیان ممرض و متملق و چاپلوس کردند نه آن مرد وطن پرست اگر در جلوی اوستقامتی میشد مطمئن باشید که تسلیم میشد اینها بودند که نقشه هارا اجرا کردند ، خلاصه از مطلب دور افتادیم در اصفهان در روزنامه خواندم که آقای تقی زاده چنین جوابی دادند که جانم در خطر بود (و کیلی - اینطور نگفت) و اگر من امضاء نمی کردم کس دیگر امضاء میکرد (و کیلی - نگفت جانم در خطر بود) بلی آقای و کیلی میدانم که شما میل دارید آن بساط تجدید شود آن شرکته تجدید شود (زنک رئیس)

و کیلی - بوجوب ماده ۱۰۹ اجازه میخواهم دکتر بقائی - بلی ۱۰۹ جواب بدهید ولی

ما شرکت درست نمیکنیم ، آنهایکه در آندوره شرکته درست کردند آنهایکه نمیدانم بچه جرمی اعلیحضرت فقید حبشان کرد نمیگویم بچه جرمی که بگویند توهین شده آنها میخواهند آن بساط تجدید شود میخواهند باز آنشرکته درست شود نگذارید دهان من باز شود من مطلب خیلی دارم نمیتوانم باین حرفهای پر از ذم که حقیقت خیلی تلخ است عرض کنم توضیحات جناب آقای تقی زاده را در اصفهان خواندم گفتم قابل قبول نبود ولی در محکمه وجدانم نظر بر مراتب فضل و دانشمندی و نظر بکیرسن ایشان این توضیحات را قبول کردم گفتم خیلی خوب بشر جایز الخطا است من خودم هم خطاهائی کرده ام که یکیش راجع بجریان حزب دمکرات است و آن جریان نهضت اخیرش است و اگر فرصت شد چند کلمه ای عرض میکنم ولی فعلا فرصت نیست ، بشر جایز الخطا است خوب یکمرد فاضلی است دانشمند است مورخ است حالا يك اشتباهی هم کرده است این را نباید بر او خرده گرفت ولی وقتیکه در کرمان روزنامه شریفه اطلاعات بدستم رسید و صحابه مضر همین روزنامه را با ایشان خواندم و جریان شرفیابه ای حضور ملو کانه را اطلاع

پیدا کردم آنوقت فوراً بیاد حرفهای عباس اسکندری افتادم آنوقت فوراً بیاد خبر رادویولنسن افتادم آنوقت یادم آمد که عباس اسکندری گفت تقی زاده با ماموریت بایران آمده است (حاذقی - که خورد) بلی حاج آقای بلی آنوقت دیدم خبری را که چندماه قبل رادوی لندن داد و تکذیب نکرد ولی روزنامه ها تکذیب میکردند جناب آقای تقی زاده هم بعنوان رجل ملی و رجل صدر مشروطه تأیید میکنند و ایشان هم معتقدند که لازم است که مجلس مؤسسان تشکیل شود این چیزها را بپلهای هم بگذارید و فراموشکار نباشید مطالب را تفکیک کنید و هیچوقت قاطی نکنید اگر شخصی دانشمند است بهانش او تعظیم کنید ولی اگر خیانت سیاسی کرد او را تعقیب کنید بیاد بیاورید که ملت فرانسه بعد از ۸۰ سال خدمت که مارشال پتن بآن مملکت کرد او را محکوم باعدام نمود و بعد هم خواستند بیخندش بکنند بکنند یعنی حبس ابدا شد ولی در مملکت ما سرهنگ البرزها بعد از محکومیت باعدام تبرئه میشوند و اگر هم تبرئه نشوند عفو میشوند در زمان ملا نصرالدین میگویند که تقویم نبود (جناب آقای فرامرزی تشریف دارند چون از این مثل ها میدانند) تقویم نبود مردم همیشه در ماه رمضان دچار اشکال میشدند که چند ماه رمضان است دوازدهم و سیزدهم است ، همیشه اختلاف پیدا میشد ملا بفکر افتاد که این اشکال را بچکوری رفع کند چون ملا هم پیش خودش نابه ای بود ، میدانید از نوابغ مملکت ما بود فکر کرد خوب خودم من موقعیکه باید افطار کنم باخرما افطار میکنم عمل مستحب و هم انجام میدهم يك هسته خرما میاندازم توی کوزه و از روی این می فهمم که چند ماه است و این معین خواهد کرد تعداد روز هائی را که روزه گرفته ام ، ملا همین کار را میکرد . بکر و دختر کوچولویی داشت (فرامرزی - دختر کوچولو با این شیطانی نمیشود) بلی بزرگ بود دختر بزرگش دید گوشه طاویه کوزه ایست خیال کرد توی کوزه مرابائی یا چیز دیگری است رفت باطعم سر کوزه را باز کرد دید نوش هسته خرما است گفت خوب لا بد این را برای جمع آوری هسته خرما تهیه کرده اند رفت در کوچه و بنگ مشت هسته خرما پیدا کرد و آورد و ریخت توی کوزه ، چند روزی از این مقدمه گذشت ملا شبی یکجائی برای افطار دعوت داشت آنجا اختلاف شد که امشب شب قتل است یا فردا شب بعضی ها میگفتند که امشب شب ۲۲ است بعضی ها هم میگفتند که شب ۲۳ است اختلاف حاصل شد و داد و قال و کشمکش ، آنوقت که مردم سواد نداشتند ملا گفت چیزی نگوئید من بطور دقیق حساب روز ها را نگاه داشته ام الان میروم قبول نبود ولی در محکمه وجدانم نظر بر مراتب فضل و میایم و بهتان میگویم چندماه است - ملا فوراً رفت توی خانه اش کوزه را خالی کرد و هسته هارا شمرد دید ۱۲۰ تا هسته خرما توی کوزه است عجب ۱۲۰ تا که نمیشود ۱۲۰ روز که ما روزه نگرفته ایم گفت نصفش میکنم بازدید ۶۰ تا است خیلی زیاد است گفت خوب تلتش میکنم جهنم چهل تا شکر گشت و بر فقایش گفت من روی حساب دقیق حساب کردم امشب شب جهنم ماه رمضان است همه خندیدند و گفتند ملا ماه رمضان که ۳۰ روز بیشتر ندارد چطور ش جهنم است گفت هیچ نگوئید من تخفیف دادم اگر ب حساب کوزه گفت بود مش صد و بیستم بود حالا عین حکایت

این انتخابات مؤسسان تهران است عیناً جناب آقای ساعد باید خاندان شما باین انتخابات افتخار کنند که ترقیات و تمدن مملکت ما را بتمام دنیا نشان داده باید افتخار کنند و تمام کسانی که در این انتخابات کک کردند خاندان آنها هم باید افتخار کنند ... رئیس - آقای دکتر بقائی فرصت آقامتقاضی شد یکی دو دقیقه هم گذشت . دکتر بقائی - عرض کنم که ۶ ساعت معهود مقدار زیادیش بمشاجرات و اینها گذشت و بطوریکه ملاحظه فرمودید ... (حائری زاده - یکساعت دیگر مانده) بطوریکه میدانید بنده متول و سرمایه ای ندارم در دنیا فقط صاحب یک چیز هستم که دوستان من این متول را قبول دارند و آن خوش قولی من است من قول داده ام که ۶ ساعت صحبت کنم ولی من کجا خودم را برای خدمت بملت در کف دست گذاشتم همه چیز خودم را فدا کرده ام این يك چیز خودم را هم فدا میکنم یعنی قول خودم را هم بملت میدهم من قول داده ام غلط کرده ام قول داده ام (خنده نمایندگان) (زنک رئیس) من حق نداشتم قول بدهم من باید در ده های ملتر در اینجا بگویم دو قسمت از استیضاح من باقی مانده است یکی «تصمیمات بیرویه هیئت دولت» و یکی دسوع جریان داد گستری» است که هنوز فرصت طرح آن نشده است من این سرمایه خودم را هم فدای ملت ایران میکنم و با استیضاح خودم ادامه میدهم (زنک رئیس) رئیس - آقایان توجه کنید همانطور که آقای دکتر بقائی گفتند و همه اشخاص هم میدانند و دیگر محتاج بید کر نیست مرحوم میرزا شهاب پدربزرگ گوار ایشان که بشیر از آمدند یعنی بعنوان حبس آوردند و باینده ارتباط داشتند و خیلی هم با من دوست بودند تا آخر عمر هم باهم دوست بودیم احترامی که مردم باو میگذاشتند بمناسبت استقامت رای و فوش بود (امامی - آدم بلی نبود) ساکت باشید در دوره چهارم بود اولین دوره ای که ایشان بمجلس آمده بودند بواسطه شهادتی که بخرج دادند و با اعتبارنامه مرحوم تیمور تاش و نصره الدوله مخالفت کردند آنها جزو اکثریت بودند و ما هم با ایشان در اقلیت بودیم خواسته اعتبارنامه آن مرحوم را رد کنند یعنی بیعت سیاسی او خاتمه بدهند ۶ ماه او را ازیت میکردند فقط میگفتند بیاید و معتذر بخواید یعنی در يك جلسه دوستانه ای حاضر شود و حاضر نشد و بقول خودش احترام گذارد از ایشان هم توقع دارم که بقول خودش احترام بگذارد و حالا هم در دقیقه تنفس میدهم بعد از ده دقیقه میارم ایشان هم قول خودشان را رعایت کنند . (در اینموقع ۵ دقیقه بطهر جلسه بعنوان تنفس تعطیل شد و پس از بیست و پنج دقیقه مجدداً تشکیل گردید) رئیس - عرض میکنم حالا ۷-۸ جلسه است که استیضاح مطرح است و امروز این ۶ ساعت آقای دکتر بقائی هم خاتمه یافت . هکی - چهل دقیقه مانده . رئیس - هیچ مانده ب حساب دقیق ، اینکه من میگویم دقیق است . دکتر بقائی - ولی تعرض و اینها را حساب نکردم . هکی - پیشنهاد تنفس کشد در اطر اف آن صحبت

شده باید حساب شود.

رئیس - ساکت باشید آقایان، حالا اگر دولت میخواهد جوابی بدهد بفرماید.

دکتر بقائی - وسط استیضاح من بطور جواب بدهند بعلاوه آقای حائری زاده هم باقیمانده است.

رئیس - موضوع استیضاح شما آقای حائری زاده فرق دارد.

دکتر بقائی - خیر آقای استیضاح من هم تمام نشده است و دو موضوع از استیضاح من باقیمانده است. بایاید مجلس رأی بدهد من را محروم کنند از استیضاح یا اینکه حرف بزنم.

رئیس - محروم نمیشود کرد.

دکتر بقائی - خلاف قانون هم نمیشود کرد.

رئیس - مجلس اسمش همراهش است یعنی قوه قانونگذاری اگر خدای نخواست هر نماینده ای باین آیین نامه ای که هست کحق دارد هر روز استیضاح کند ۳۶۰ روز خواست حرف بزند اینکه نمیشود یا بدفکری بحال مملکت کرد.

دکتر بقائی - من هم دارم بحال مملکت فکر میکنم.

رئیس - شما ۹ جلسه صحبت کردید پس اگر اینطور است این مجلس را خودتان منحل کنید بلند شوید بروید اینکه مجلس نمیشود والا يك اصولو قواعدی را باید رعایت کرد.

دکتر بقائی - منحل خواهد شد.

رئیس - این ترتیب سابقه ندارد بعضی از آقایان پیشنهاد کرده اند.

دکتر بقائی - دولت باید به چیز گوش بدهد و بعد جواب بدهد و ثانیاً استیضاح من تمام نشده است دو موضوع باقیمانده است میدانم که دولت عجله دارد که امشب رأی اعتماد بگیرد ولی این خلاف قانون است.

رئیس - بالاخره آیین نامه و اینها خودش قانون است و تمام برای اکثریت مجلس است.

دکتر بقائی - البته ما مطیع رأی اکثریت مجلس هستیم هر چه که اکثریت بگوید ما مطیع هستیم.

رئیس - پیشنهادی کرده اند که برای اکثریت میگذاریم.

دکتر بقائی - پیشنهاد را مطرح کنید من با آن مخالفم.

رحیمیان - بنده هم مخالفم، جناب آقای دکتر بقائی جوانمردی کنید نسبت باصول مشروطیت و صرف نظر بفرماید که سابقه بدی برای مجلس گذاشته نشود.

مکی - چهل دقیقه اش مانده اجازه بفرمائید صحبت کنند.

رئیس - این را شما تنها میگوئید یک دقیقه هم مانده.

مکی - بنده دیشب پیشنهاد کردم صحبت کردم آنهم جزو وقت ایشان حساب شده.

دکتر بقائی - بسیار خوب پیشنهاد را مطرح کنید و من با پیشنهاد مخالفت میکنم.

رئیس - بسیار خوب مانعی ندارد من عقیده ام اینست که اگر مطالب دیگری دارید مجدداً استیضاح بدهید و من از مجلس تقاضا میکنم که يك هفته دیگر برای جواب آن تعیین وقت شود و حق شما تفصیح نشود ولی اینکه مجلس را با اینصورت در یاورید و

صبح و عصر صحبت کنید این راه حل نیست و این راه چکس قبول ندارد.

دکتر بقائی - من نمیخواهم صبح و عصر صحبت کنم من را تحت فشار و تزیین گذاشتند و معدنك حاضر شدم صحبت کردم و اگر آقایان هم حاضر باشند حاضر ام با وجود کسالت مزاج از حالا تا نصف شب باستم و تمام حرفهایم را بزنم.

رئیس - بندهم ممکن است بفرمائید.

رحیمیان - اجازه بفرمائید يك دقیقه بنده عرضی دارم.

رئیس - بفرمائید.

رحیمیان - سابقه مجلس برای پیشنهاد های نامربوطی که در لوائح داده میشد باعث شد که یکی از نمایندگان پیشنهاد بدهد که پیشنهاد های زیادی برود بکمیسیون و اصول مشروطیت از بین برود و این در اثر پیشنهاد های نامربوطی بود که داده میشد حالا بنده از آقای دکتر بقائی که واقعاً فدا کاری کردند در این استیضاح خودشان و فدا کاری میکنند برای مشروطیت خواهش میکنم که در فکر آتیهم باشند که چنین طرخی در اینجا سابقه برای مجلس شورای ملی نشود یا اینکه میدانند که این پیشنهاد تصویب خواهد شد کاری نکنند که سابقه بشود.

دکتر بقائی - اجازه بدهید من جواب بدهم.

رئیس - مطابق آیین نامه نیست مقصود این بود که خودتان گفتید من ۶ ساعت صحبت میکنم و ۶ ساعت هم تمام شد، صحبت دامنه اش وسیع است و متأسفانه مملکت ما مابیش بشمار است ممکن است شما تا آخر دوره بخواهید صحبت کنید نه شما سایر آقایان هم همینطور ممکن است بکنند نماینده بخواهد سیصد روز صحبت کند.

دکتر بقائی - من دو مورد از استیضاحم باقی مانده است.

رئیس - اگر واقعاً مطالبی دارید که بخواهید بگوئید الان يك استیضاح دیگری بدهید و من روزش را تعیین میکنم.

دکتر بقائی - استیضاح آقای حائری زاده که وقتش امروز است.

رئیس - آن مربوط باین نیست این موضوع علیحده است.

دکتر بقائی - پس آقای حائری زاده را اطلاع بدهید بیایند ایشان حاضرند استیضاح خودشان را بکنند.

رئیس - بلی مال ایشان هم محفوظ است و ایشان حاضر هستند که بعد از جواب دولت بگویند.

دکتر بقائی - این در مجلس بی سابقه است.

رئیس - هیچی سابقه نیست.

رحیمیان - آقای دکتر بقائی بنام مشروطیت ایران صرف نظر بکنند.

دکتر بقائی - تقاضای آقای رحیمیان تقاضای کاملاً صحیحی است و بنده هم باید این تقاضا را قبول کنم چونکه مخصوصاً گفتند که جوانمردی کنم و گذشت کنم ولی چون من هم چیز خودم را در اختیار ملت ایران گذاشتم جوانمردی خودم را هم بالای قولم در اختیار ملت میگذارم چون می بینم که مشروطیت دارد از بین میرود، من خوشوقت میشوم که رأی بدهند و استیضاح من را مطرح نکنند ولی دو مطلب از سه مطلب استیضاح من باقیمانده است

و هیچ جای دنیا سابقه ندارد که وسط استیضاح را قطع کنند برای اینکه دولت جواب بدهد ولی اینجا چون دولت عجله دارد و میخواهد بهر قیمتی ولو قیمت مفتضح کردن مجلس یا زنده شده رأی اعتماد بگیرد که فردا در مجلس مؤسسان رأی اعتماد داشته باشد ولی من بنام ملت ایران تن نخواهم داد و آنها این لحظات را فراموش نکنند این لحظات لحظات احتضار آزادی ایران است.

رئیس - آقای دکتر بقائی شما البته میگوئید ولی ما هم بوده ایم، دیده ایم اینطور هر چه مرج که میگوئید نیست، این آیین نامه اگر درست بشود يك کاری برای مردم خواهد شد.

دکتر بقائی - من هنوز جواب هر چه مرج را نداده ام. من در استیضاح باید بگویم که مسیب هر چه مرج کیست.

رئیس - من معین میکنم کار بیست ماه مجلس را از شما انصاف میخواهم جز اینکه با استیضاح بود یا برنامه دولت بوده (صحیح است) چه کاری برای مردم انجام شده؟ (صحیح است).

دکتر بقائی - بنده هم انصاف میخواهم آن عرایضی که حضوران میکردم و تمام حجت میکردم هیچ خبر میشد! حالا هم برای اکثریت مجلس و اگذار میکنم. (اعتراض آقای صفوی).

رئیس - آقای صفوی ساکت باشید بشما اخطار میکنم (زنك رئیس) اینکه وضع مجلس نمیشود شما نظم مجلس را بهم مزیند. آقای ساعد جناب عالی حالا جواب استیضاح آقای دکتر بقائی را میدید یا آقای حائری زاده هم صحبت کند بعد جواب میدید؟

دکتر بقائی - البته مجلس مطیع دولت است (خنده نمایندگان) جناب آقای ساعد شما قسم خورده اید که حقوق مجلس و مجلسیان را حفظ کنید. خلاف قرآن نکنید شما قسم خورده اید حقوق مجلس و مجلسیان را محترم بشمارید حق من یکی از مجلسیان هستم و اقلیت هستم دارد پندمال میشود استیضاح من باقی مانده است.

رئیس - نه حق شما پایمال نمیشود شما الان استیضاح خودتان را بدهید من تقاضا میکنم سه شنبه دولت بیاید.

دکتر بقائی - اکثریت رأی بدهد ولی با حرف و میل نمیشود پیشنهاد مطرح بشود و اکثریت رأی بدهد کدر تاریخ ثبت بشود.

رئیس - بفرمائید آقای دکتر اقبال.

دکتر بقائی - آقا وسط استیضاح من ایشان چه میخواهند بگویند؟ باید پیشنهاد مطرح بشود حق مجلس و مجلسیان دارد پایمال میشود.

رئیس - شما الان خودتان گفتید که من پس گرفتم.

دکتر بقائی - من کی گرفتم پس گرفتم؟ من گفتم این راهم فدای ملت ایران میکنم. عجب رأی گرفته بشود. باید اکثریت رأی بدهد.

رئیس - بسیار خوب فرائت میشود.

(شرح زیر قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی چون مجلس کارهای مهم و ضروری در پیش دارد و بیش از هشت جلسه است اوقات دولت و مجلس مصروف شنیدن بیانات آقای دکتر بقائی گردیده بدینوسیله تقاضا میشود مقام ریاست مجلس استیضاح ایشان را که

شش ساعت باقی مانده آنهم طبق قول خودشان پایمان پذیرفته خاتمه یافته تلقی نموده و اجازه دهند دولت مبادرت بجواب نماید تا پس از استماع پاسخ دولت مجلس فضاوت خود را نسبت بدولت اعلام داشته وارد کارهای جاری خود شود.

فولادوند - فریب سی، چهل امضاء است.

دکتر بقائی - آقا اسمی را بخواهید.

(اسامی پیشنهاد دهندگان شرح زیر بوسیله آقای فولادوند (منشی) خوانده شد)

حافظی، منصف، مسعودی، کشاورز صدر، قهرمان، عباسی، عبدالله و توفیق، افشار، صفوی، خسرو هدایت، پالیزی، اسلامی، هراتی، امامی، اهری، صاحب جمع، عزیز زنگنه، جواد گنجی و خبلی امضاء دیگر.

دکتر بقائی - آقا بخواهید بقیه اسمی را بخواهید.

فولادوند - من مجبور نیستم بخوانم.

دکتر بقائی - چرا مجبور نیستید؟ من يك نماینده هستم تقاضا میکنم بخوانید.

رئیس - بالاخره وقتی رأی دادند معلوم میشود.

مکی - آقا بنده مخالفم.

رئیس - آقای مکی.

مکی - من نوبتم را به آقای دکتر بقائی میدهم.

دکتر بقائی - بنده هم مخالفم.

رئیس - بعد از آقای رحیمیان است. بفرمائید آقای رحیمیان.

مکی - پس خودم صحبت میکنم.

رحیمیان - بنده هم نوبتم را میدهم آقای دکتر بقائی.

مکی - بسیار خوب.

رئیس - آقای دکتر بقائی.

دکتر بقائی - من در اینجا نخواستم صحبت از تفضیلاتی که بمن و بدوستان من وارد شده بود بکنم ولی این پیشنهاد مرا مجبور میکند که اولاً برای این يك تفضیق قدری توضیح بدهم منیوسند که دکتر بقائی قول داده بود ۶ ساعت صحبت کند من نمیگویم که آن شش ساعت تمام نشده است من باین دلیل نمیخواهم متمسک شوم ولی آقایان فراموش نکنید که در همین مجلس و پشت همین تریبون اشخاصی قسم خورده اند که حقوق مجلس و مجلسیان را حفظ کنند هیچکس این قسم آنها را برخشان نمیکشد و وقتی که من تنها سرمایه خودم را و شرفترین دارائی خودم را که عبارت از وفای بعهده باشد که مورد قبول تمام دوستان من است و در آن جلسه ای که صحبت بود يك عده از دوستان عزیز و اادار کردند هیئت رئیسه را بعنوان اینکه فلانی خوش قول است قول مرا پذیرد من این تنها دارائی خودم را در طبق اخلاص میگذارم و به پیشگاه ملت ایران با جان خودم تقدیم میکنم برای اینکه قسمی را که خورده ام محترم بشمارم برای اینکه نگذارم مهمال ممکن حقوق مجلس و مجلسیان پایمال شود آتوفت استناد میکنند که چون تو قول داده ای نباید صحبت کنی آقایان من دولت را استیضاح کرده ام اگر دولتی خلافتی زیاد کرده اگر دولتی قوانین را زیر پا گذاشته، جنایت کرده

تقصیر من چیست که استیضاح طول میکشد؟ تقصیر من چیست که اینهمه مدارك مثبتی برای دزدبها، خلاف قانونها، جنایت ها، و وطنشویها در اینجا گرد آورده ام یعنی ملت اینها را برای من فرستاده است تقصیر من چیست که نباید اینها را بگویم؟ يك اصل هست و آن این است که ارباب میل دارد بهر قیمتی که شده است امشب دولت رأی اعتماد بگیرد و خواهد گرفت (زنك رئیس) ولی جناب آقای ساعد من جناب عالی را شخص شرافتمندی میدانم جناب عالی را شخص غیرت داری میدانم بطور راضی میشوید برای اینکه رأی اعتماد امشب بدست یاورید این مجلس را که قسم خورده اید قسم قرآن، قسم قرآن، قسم وجدان، قسم شرافت قسم خورده اید که حقوقش را محفوظ بدارید يك قدری قوت نشان بدهید، يك قدری قوت قلب نشان بدهید من بشما قول میدهم که این مجلس رأی اعتماد بشما خواهد داد ولی برای اینکه میل ارباب همین امشب اجرا بشود....

رئیس - ارباب کیست؟ این حرفها چیست که میزنید؟

دکتر بقائی - نکند، آقایان شما وجدان دارید اکثریت کسانی که اینجا نشسته اند مسلمانند، شرافت دارند وجدان دارند شما هم قسم خورده اید که حقوق مجلس و مجلسیان را رعایت کنید. آن هم امکان را فراموش نکنید و برای اینکه حتماً امشب رأی اعتماد بدست یاورید نکنید این کار را! اینها در تاریخ خواهد ماند! اینها را تاریخ ضبط خواهد کرد. ماها همه میروم ماها همه گذران هستیم يك روز زودتر، يك روز دیرتر اجلی برای همه هست و اذا جاء اجلهم لا یستأخرون ساعة ولا یستقدمون.

اجل برای همه هست ولی بدانید که اینها را تاریخ ثبت میکند آقایان اینها همه میماند چند سال دیگر به نوه و نتیجه های شما خواهند گفت که شما احقاد و اولاد آن کسی هستید که رأی داد برخلاف قسمش که حقوق مجلس و مجلسیان پایمال بشود فراموش نکنید آقایان یکدفعه وجدان اتان مراجه کنید رأی منفی بدهید ولی امشب آقایان تقصیرم ندارند برای اینکه....

رئیس - تقصیر از خودتان است که گفتید شش ساعت حرف میزنم، چرا وقت معلوم کردید؟

دکتر بقائی - بله تقصیر از این خر بیچاره است بله تقصیر از من است آن رطیلها، آن مارها. آن عقربها آنها تقصیر ندارند تقصیر از من است تمام خرابیهای این مملکت تمام بدبختیها تمام هر چه و مرجها تمام اینها تقصیرم مظهر بقائی است هیچکس دیگر تقصیر ندارد هیچکس دیگر مسبب این هرج و مرج نیست تمام تقصیرها از من و مکی و حائری زاده است نقت تقصیر ما است بانك شاهی تقصیر ما سه نفر است و طنز و شوخیها تقصیر ما سه نفر است خلافتکارهای دادگستری تقصیر ما سه نفر است.

آخر این مدارك را من چکار کنم؟ آقایان يك قدری بندهای وجدان اتان گوش بدهید.

رئیس - آقای دکتر بقائی گوش بدهید من شمارا آدم وطن پرستی میدانم من بشما علاقه مند ام خدا میخواست یک نفر خائن آدم نوری این مجلس خواست ۳۰۰ روز حرف بزند. آخرین مجلس که برای حرف نیست برای نتیجه و عمل است چه باید کرد؟ از خود جناب عالی میپرسم راهش را بگوئید؟

دکتر بقائی - الان میگویم یکی از بدبختی های ما این است که همیشه وقتی که يك کار صحیحی دارد میشود و وجدان ما هم در ته قلب آنجائی که کسی خبر نمیشود ایراد بگیرد تصدیق میکند کار او را فوری برخش میکنیم که اگر يك آدمی پیدا شود کار بدی کرد....

رئیس - حالا من نخواستم بگویم که شما فریب خورده اید کار بدی کرده ام؟

دکتر بقائی - ... میگویند من فریب خورده ام ولی فضاوت و حکمت این امر را بدلت ایران واگذار میکنم.

رئیس - آقایان موافقت بفرمائید یکساعت دیگر هم ایشان صحبت کنند؟

عدهای از نمایندگان - خیر آقا.

حاذقی - ایشان قولشان را محترم نمیشمارند ما قولمان را محترم میشماریم.

دکتر بقائی - البته شما ها قول داده اید که رأی اعتماد بدهید.

رئیس - آقای دکتر بقائی خیال میکنم بیانات شما برای مخالفت کافی باشد. آقای فولادوند بفرمائید.

فولادوند - بنده خیلی واقعاً متأسفم که يك رفیق عزیز ما آقای دکتر بقائی اینقدر متأثر شدند که بهیچوجه واقعاً اورنیکند رفقای واقعی یا دوستان ایشان یا اشخاصی که دوسال با ایشان همکاری کرده اند اگر يك مطالبی را با ایشان اظهار میکنند شاید از روی علاقه و دوستی باشد البته ایشان يك مطالبی نظرشان میآید که در مملکت خلافتکارهایی شده و بایستی تذکر بدهند و البته يك وکیل شجاع هم باید هر موضوعی که بنظرش رسید بگوید و ما از این حیث از ایشان تقدیر و تشکر میکنیم ولی بنظر بنده آقای دکتر بقائی بقدری متأثر شده اند که تمام رفتاری که در داخل و خارج بایشان اظهاراتی میکنند ایشان خیال میکنند سوء نظر و سوء قصدی در بین است که اینها بقیه بنده که در چند جا با اظهارات ایشان مخالف بودم و يك تذکراتی دادم ایشان با نهایت صمیمیتی که بمن داشتند با اینکه بدراشان با پدر من ودائی من در مجلس رفیق بوده اند گاهی بنده حمله کرده اند. کما اینکه آنجائی که عرض کردم اشخاصی که گفته اند شخص دوم مملکت غلط کرده اند سوء تقاضای ایشان هم صورت مرا بوسیدند و من از شخص جناب آقای ساعد و از تمام آقایان وزراء خواهش میکنم که نسبت با آقای دکتر بقائی که یک نفر مرد با شرف و تحصیل کرده است کمک کنند و همراهی کنند و البته آن نظریه های اصلاحی ایشان را در نظر بگیرند و اینکه بنده مخالفت کردم با ادامه استیضاح از این جهت است که آقایان شاهد هستند بنده از اول مجلس تا بحال همیشه با زیاد حرف زدن و کم کار کردن مخالف بوده ام و بعقیده بنده در این مجلس با زنده ام رویه را پیش گرفته ام، دوره ۱۴ من نبودم در آن دوره هم متأسفانه همینطور بود، رفتاری دیگر من بودند برادر من برای من تریف کرده اند و اگر خدای نکرده يك دیکتاتوری پیش بیاید که ما یقین داریم نخواهد شد نه اوضاع اجازه میدهد نه وضعیت اجازه میدهد نه دنیا اجازه میدهد بهیچ

قرآنی که من قسم خورده‌ام من منتقم که شامد مکررات ما هیچ ممکن نیست حاضر شود که زبردیکتاتوریتوری برود (صحیح است) . (دکتر بقائی - صحیح است ولی خائنین احاطه اش کرده اند میخواهم من اینهارا ثابت کنم) جنایت اطرافیان و درباریان را میخواهم ثابت کنم. کسی ممکن است در این زمان و مکان و موقع دیکتاتور بشود که سوادش کم باشد . تجربه اش کم باشد ، تاریخ ندانند اگر اقتدرم ما خواهیم بگوئیم احاطه کرده اند این خودش اهانت تلویحی است یادشاه مملکت . (دکتر بقائی - اینها چه مربوط باستبضاح است خود دولت میآید جواب میدهد) آقای دکتر بقائی ده روز رفتی شما صرف وقت کردند آمدند اینجا نشنند؟ خسته شدند و حرف های شما را شنیدند و شما با کثر اهانت کردید و من شخصاً از طرف آقای دکتر بقائی از بعضی از رفتی خود مندرت میخواهم از آقای و کلبی مندرت میخواهم آقای برزین مورد احترام همه ما است آقای برزین در زمان سابق آقای و کلبی را تیره کرد (صحیح است) من عضو او بودم او در آن زمان این آقای و کلبی را تیره کرد نباید این حرفها را زد اما مطلبی که من میخواهم بگویم اینست که :

لاف از سخن چو در توان زد آن خشت بود که بر توان زد ما چه حرف حسابی داریم که نتوانیم ۹ جلسه بگوئیم . (دکتر بقائی - بله من خست زدم و بدریا زدم و میدانم که خشت بر دریا زدن بیحاصل است) بطوریکه نمایندگان محترم ملاحظه فرمودند در این چند جلسه متأسفانه آقای دکتر بقائی اظهاراتی فرموده اند و مخصوصاً نسبت به تیمار سیهبد رزم آراء رئیس ستاد ارتش که یکی از خادمین حقیقی اعلیحضرت همایونی هستند (دکتر بقائی - اگر میگذاشتید من حرف برزین آنوقت حقیقی را بهتان نشان میدادم) دور از انصاف است و برای اینکه شخص شخصیت تاجدار محبوب بداند که این اظهارات مورد تصدیق مجلس نیست و برای اینکه خادمین بشکوره که در موارد لازم انجام خدمت میکنند دلسرد نشوند تنی دارم چنانچه نمایندگان محترم با بنده همعقیده هستند اظهارات مرا تصدیق کنند (صحیح است) .

دکتر بقائی . صحیح است میدانم همه تصدیق میکنند من هم خودم تصدیق میکنم . رئیس - مواد نظامنامه راجع باستبضاح خوانده میشود آقایان توجه کنید .

(بشرح زیر قرائت شد) ماده ۴۴ - هر نماینده ای که از وزیری میخواهد استبضاحی نماید باید تقاضای خود را کتباً برتیس داده و موضوع استبضاح را در ضمن معین نماید رئیس آن را در مجلس قرائت میکند و مجلس باید آن تقاضا را قبول نموده و پس از آنکه از اظهارات وزیر یاوزراء در باب تعیین روزیکه استبضاح باید بعمل آید مستحضر شد بدون مباحثه در اصل موضوع قرار روز استبضاح را بدهد استبضاحتی که در باب امورسیاسی داخلی مملکت است نباید بیش از یک ماه بعدمه تمویق بماند .

ماده ۴۵ - استبضاح نماینده از نماینده ممنوع است . ماده ۴۶ - در روز معین بعد از آنکه وزیر یا هیئت وزراء در مجلس حاضر و توضیحات داده

شده پس از ختم مذاکرات (دکتر بقائی - پس از ختم مذاکرات . پس از ختم مذاکرات) هر یک از نمایندگان حق دارد نسبت بهوزراء از مجلس رأی مثبت یا منفی یا ساکتخواستار شود .

رئیس - در روز معین . **دکتر بقائی** - پس از ختم مذاکرات . **رئیس** - شاید در عمر مجلس مذاکره ختم نشود (دکتر بقائی - دولت را باید ساقط کرد) یک نفر بیاید دو سال مذاکره کند مردم هم گوش کنند دولت هم تماشاکند ؛ اینکه وضع نیشودشما که آقای دکتر بقائی خودتان استاد دانشگاه هستید چرا این حرف را مینویسد ؟

دکتر بقائی - جناب آقای رئیس من بشما ارادت دارم ولی این سفسطه است . **رئیس** - آقای دکتر شفق پیشنهادی داده اند قرائت میشود . (شرح زیر قرائت شد) پیشنهاد میکنم مجلس بعد از ظهر منعقد شود و یکساعت دیگر وقت باستبضاح کننده داده شود .

رحیمیان - این پیشنهاد هم مثل همان تقاضا است این که بدتر میشود .

رئیس - آقای دکتر شفق . **دکتر شفق** - عرض کنم اگر دولت حالا بخواهد توضیحاتی بدهد وقت کافی نیست از این لحاظ تصور میکنم بهتر است آقایان بعد از ظهر تشریف بیاورند و جلسه تشکیل شود واز آقای دکتر بقائی هم استدعا میکنم که مطالبی که گفته اند تجدید نکنند و مطالب خودشانرا نه بآن ترتیب که آقای رحیمیان فرمودند با موافقت خودشان مطالبشانرا یکساعت خلاصه کنند و مجلس مواج با این معظوری که فرمودند ننشود .

رحیمیان - این پیشنهاد خصوصی استرسی نباید تلتی کرد . **رئیس** - وکیل میتواند پیشنهاد کند خصوصی ندارد مجلس یا رای میدهد یا نمیدهد بهر حال یک ساعت خرده ای از ظهر گذشته است و دولت اگر بیانات خودشرا بکنند گمان میکنم دیگر مقضی نیست و بنده هم برای اینکه سابقه ای نشود در اینجایشهاد را رای نمیگیرم ولی آقای دکتر بقائی هم اگر مطلبی دارند باایشان میگویم آلاّن یک استبضاحی بدهند هفت روز دیگر تعیین وقت شود بیاینده مطالبشانرا بگویند و مجلس را باینصورت نیندازند این خوب نیست آلاّن یکساعت ربع بعد از ظهر است اگر آقایان موافقت دارند برای استماع بیانات دولت بعد از ظهر جلسه تشکیل شود آقای دکتر بقائی هم یک استبضاح دیگر بدهند .

(مجلس یکساعت وربع بعد از ظهر بعنوان تنفس تعطیل و ساعت شش وچهل دقیقه بعد از ظهر بریاست آقای امیر حسین ابلیخان مجدداً تشکیل گردید) **نایب رئیس** - بالاخره مطابق تصمیمات جلسه امروز صبح دویستونصد بود یکی اینکه چهل نفر از آقایان تقاضا کرده بودند که استبضاح را خاتمه پذیرفته تلتی کنند آقای دکتر شفق هم پیشنهاد کرده بودند که برای خاتمه صحبت آقای دکتر بقائی چون که بعضی مطالب دارند یکساعت باایشان اجازه داده شود که مطالبشان را بگویند و برای اینکه اغلب آقایان به بنده مراجعه کردند و برای اینکه گفته شود که مذاکرات ناتمام مانده است استدعا میکنم از تمام آقایان نمایندگان ملت که اجازه بفرمایند آقای دکتر بقائی یکساعت دیگر

صعبتشان را بفرمایند دولت هم جواب بدهد (صحیح است) علیهذا استدعا میکنم از آقای دکتر بقائی که تشریف بیاورند و یکساعتشان را صحبت بکنند این تقاضای بنده و خطاب بنده با آقای دکتر بقائی نماینده محترم است که آلاّن ۸ جلسه تمام است که اوقات مجلس برای استبضاح گرفته شده است اگر هر روزی راهم ما دو ساعت فرار بدهیم تقریباً ۱۶ ساعت ۳۰ ساعت میشود صحبت فرموده اند در بدو امر بنده خدمتشان متذکر شدم و مکرر عرض کردم که استبضاحشان سه مطلب دارد و خوبست زودتر بمطالب دیگرهم رجوع کنند که استبضاحشان زودتر تمام شود متأسفانه حاشیه زیاد بود آقای دکتر بقائی در ظرف این ۸ روز استبضاح خودشانرا تمام نکردند و آلاّن این یکساعتی که اجازه داده شد تقریباً رأی اکثریت مجلس است برای اینکه هم ارفاقی با آقای دکتر بقائی شده باشد (دکتر بقائی - یعنی ملت ایران) و هم نگویند که آزادی داده شده است که حرف بزنند نهایت آزادی را داشته باشند در صحبت کردن وهم بدانند که پس از یکساعت دولت هم باید جواب بدهد و تکلیف خودش را تعیین کند و مخصوصاً خواهش میکنم از آقای دکتر بقائی که خودشان قول صریح دادند که بعد از گذشتن لایحه دودوازدوم شش ساعت بیشتر وقت نخواهند و این شش ساعت راهم کاملاً فرمایش کردند و همه هم شنیدند و آلاّن در مدت یکساعت مطالب خودشانرا اظهار بکنند و تصدیق هم بکنند که هر مطلبی که از آن مشگلتر و بزرگتر و بیشتر باشد در ظرف یکساعت میشود صحبت کرد و حرف زدن اینرا استدعا میکنم رعایت بفرمائید .

دکتر بقائی - در پاسخ فرمایشات جناب آقای رئیس باکمال تشکر از این یکساعت دیگری هم که به بنده لطف شده است عرض کنم آنطوریکه سیره وسابقه بوده است همیشه قرار بر این بوده است که اگر چند استبضاح باهم داده شده بود و دولت طی یک نامه ای وقت معین کرد برای آن استبضاحها آنها را قبلاً طرح میکنند و نمایندگان محترمی که حرفهایی در جواب آنها داشته باشند میگویند و بعد از آن دولت جواب میدهد و آنوقت تقاضای رأی اعتماد میکند ولی مقرر شده است که حتماً امشب دولت رأی اعتماد بگیرد باینجهت هم بنده از این یکساعت فعلاً استفاده میکنم و تنه استبضاح خودم را میگویم ولی مطالب بسیاری راجع سیاست خارجی راجع بمذاکرات و نکت راجع بسوءعجریان دادگستری و مخصوصاً راجع بمجلس مؤسسان دارم که در این یکساعت قابل طرح نیست قبل از شروع بمطلب میخواهم از دولت جناب آقای ساعد تشکر کنم که امیرایش مرا راجع با آزادی مطبوعات بسمع قبول پذیرفتند و دلایل اینست که چاپخانه هائی که عریضه سرگشاده مرا چاپ نکردند در مقابل یک اعلام جرمی بر علیه من چاپ کرده اند و من خیلی میل داشتم که فرصت میداشتم این اعلام جرم را در مجلس قرائت میکردم ولی این یکساعت متأسفانه فرصت نخواهد داد باینجهت اینرا در مجموعه سخنانهای خودم طبع خواهم کرد و فقط در اینجا یک ذکر از آن میکنم و اینهم یک افتخار جدیدی بر افتخارات من خواهد بود علاوه بر آن التهاب بیشرفی که از طرف جناب آقای عباسی نماینده محترم و جناب آقای صدر کشاورز نماینده محترم و لقب احمق و دیوانه از طرف

جناب آقای حازفی و لقب مردک از طرف جناب آقای احمد دهقان ، اینهارا یادداشت میکنم و اینرا هم اضافه میکنم ولی چون فرصت نیست از قرائت آن باکمال آسف صرف نظر میکنم و تشکر میکنم از این آزادی که در مطبوعات کشور پیدا شده است و مخصوصاً خیلی خیلی مفتخر هستم که در این اعلام جرم اسم عمومی من هم که در ۳۴ سال قبل شهید شد برده شده است خیلی مفتخرم از کسانی که این اطلاعات را با اعلام جرم کننده داده اند در کرمان که بودم همانطور که در آن عریضه سرگشاده اشاره شد و در ابتدای استبضاح من هم اشاره شد مردم را بعنوان تودیع دعوت کردم و برای آنها یک سخنرانی کردم و یردها را بالا زدیم یعنی آنجا چون هنوز فشاری نبود و حکومت نظامی هم ناتوانی خودشرا در مقابل مردم احساس نکرد گذاشتند من حرف بزنم و من راجع بمجلس مؤسسان و راجع بنفت و راجع بسیاست خارجی چیزهایی گفتم که متأسفانه در اینجا مجال نخواهم داشت که بگویم بعداً در اینجا عریضه سر بسته ای ببینگاه ملوکانه تقدیم داشتم و بعد از آن هم یک عریضه سرگشاده ای بعنوان اتهام حجت ببینگاه ملوکانه تقدیم داشتم ولی در آنوقت چون هنوز آزادی مطبوعات بر قرار نشده بود نتوانستم آنرا بچاپ برسانم . البته فرصت نیست که در اینجا از توضیقاتی که بر من و دوستان من وارد شد صحبت بکنم بمیبایستی یک جلسه وقت داشته باشم که در این مهد آزادی و عدالت اجتماعی صحبت بکنم که حتی آندوستان نزدیک من که سالها با هم سابقه دوستی داشتیم اینها برای دیدن من تحت تهدید قرار میگرفتند ولی متأسفانه فرصت اینکه راجع باین موضوعات پیردازم فقط از این تریبون مقدس بآنها سلام عرض میکنم و آن کمکهای شجاعانه و از خود گذشته ای را که آنها بمن کردند بآنان تبریک عرض میکنم از طرف ملت ایران و از طرف خودم تشکر میکنم با اینهمه چون با صداقت کامل و حسن نیت و خلوص عقیدت وارد این مبارزه شده بودم و جز دفاع حقوق انبء ملت و دفاع از آزادی و عدالت منظور و غرض دیگری در خاطر نداشتم در هر لحظه و هر قدم مشیت اراده الهی اسباب و مقتضای ترا فراهم نمود که باکمال قدرت و قوت قلب استبضاح بیسابقه خودم را بکنم ؛ بلی جناب آقای یمن اسفندیاری این شکل استبضاح تا بحال از کسی دیده نشده بود ، استبضاح من در تاریخ مشروطیت سابقه و نظیر ندارد زیرا (تومومیبینی و من پیش مو) (صحیح است) من همواره بحال گرسنگی و بدبختی و برهنگی و فلاکت ملت دل داده ام و سینه من کوره پر آتشی است که از درهای دل و سوزش قلوب بیوه زنان و اطفال گرسنه و برهنه و مادران داغدیده و زنهای ستمکشیده و زارعین مظلوم آکنده است و همواره شرازه آن تیزتر میشود ، بلی این چیزها در دایره تصور بعضیها نیست ولی من امروز دین خودم را بملت ایران اداء میکنم اکنون اجازه میخواهم بطور فهرست نکات حساس استبضاح خودم را خلاصه بکنم و قبل از این خلاصه کردن اجازه میخواهم یکی از عریضی را که بطور منجزهم نگفته بودم ولی از روی یک روزنامه ای خواندم با تردید تلتی کنم و آن موضوع مربوط باشی سراپی است که از روزنامه همواره داغناز شده

بود و اگر آقایان محترم بخاطر داشته باشند همان موقع هم عرض کردم که جز این روزنامه مدرک دیگری برای اثبات این مدعی ندارم ولی چون بعضی از دوستان من در صحت این مطلب تردید کرده اند لذا بدینوسیله تردید خودم را منمکس میسازم . منشاء و مبنای استبضاح من سوء استفاده عظیم دولت خاصه قوای انتظامی و نظامی از جریان ساعه سوء قصد خائنه بر علیه ذات مقدس اعلیحضرت همایونی میباشد . ایرادات و اعتراضات من بر علیه این رژیم حکومت نظامی است که در پرتو آن دادگاه های نظامی فرمایشی و بی صلاحیت با جان و مال و سرنوشت متمین سیاسی و مجرمین بازی میکنند . اعتراضات من بر علیه این رژیم دیکتاتوری ستاد ارتش است که بطور مطلق و با اقتدار کامل آزادی انتخابات یعنی عالیترین و اساسیترین حق حاکمیت ملی را از ملت ایران سلب نموده و عناصر ناشایسته ای را بیعضی از معافان برای اجرای مقاصد و منویات مفرضانه و شوم خود تحصیل میکنند . جناب آقای ساعد استبضاح و اعتراضات من اساساً مربوط بهر گونه تغییر و تبدیل قانون اساسی ایران میباشد زیرا در پشت این تریبون بقرآن مبین قسم یاد کرده ام وشاهم یاد کرده ام که مهما امکان در حفظ آن بکوشید و در ثانی چون مطمئن هستم و ایمان دارم از این مجلس مؤسسان فرمایشی که با این شرایط ننکین و خلاف آزادی و مشروطیت انتخاب شده مصوبات و تصمیمات بسیار نابسنده و زیان آوری بر ضد آزادی و رفاه و ترقی و سعادت ملت ایران بشیرین خواهد آمد . ایرادات من مربوط بلوا یح بی مطالعه و خسران آمیز دولت میباشد که با تئانی بتصویب میرسد و میدانید که چه میگویم استبضاح و اعتراضات من مربوط بکارهای زیر پرده وزارت دارائی و بانک ملی ایران است که با سیاست خائنه خود مصالح مالی و پولی و اقتصادی ایران را بیادفایند میدهند . استبضاح و اعتراضات من مربوط بکارهای زیر پرده وزارت دارائی در باب قرارداد شرکت نفت ایران وانگلیس میباشد که معلوم نیست بچه نحو ننکین دوباره بزبان دولت و ملت ایران خاتمه خواهد پذیرفت (حال امای - وزیر مشاور - قصاب قبل از جنایت نفرمائید آقای دکتر بقائی) چرا جریانش را نمیآورند بگویند آقای امامی ؟ این جریان را باید در مجلس بگویند چند ماه مذاکرات زیر پرده انسان رامشکوک میکنند . بالاخره استبضاح و اعتراضات من خیانت تیمسار معظم سیهبد رزم آراء رئیس محترم ستاد ارتش باستان مقدس و مقام شامخ سلطنت مشروطه و شخص شخص اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه محبوب و پدر تاجدار ملت ایران میباشد و لازم میدانم که در اینخصوص نکات ذیل را بعرض آقایان برسانم ، در بین معافان خارجی مقیم ایران معروف است که تیمسار حاجعلی رزم آراء سر باز و فرمانده بسیار باهوش بسیار مطلع بسیار مقتدر و با اراده و خلاصه افسر بسیار برجسته ایست از روی کمال انصاف باید تصدیق کرد که این تشخیص بسیار صحیح و کاملاً بجاست و ارتش شاهنشاهی بوجود چنین افسری فخر و مباهات میکند ولیکن همان معافان خارجی نکتی دیگری را در باره ایشان

فکر میکنند که خیلی با احتیاط بزبان میرانند و آن نکتی اینست که تیمسار معظم عنصر بسیار جاه طلبی است و دامنه جاه طلبی او بیگران و نامتناهی است ، گمان میکنم دوست و دشمن نیز این نکتی را در باره ایشان انصافاً تصدیق مینمایند . نکتی سومی هم هست که معافان مطلع خارجی مقیم ایران در باره ایشان ذکر مینمایند که تیمسار معظم حاجی علی رزم آراء رئیس محترم ستاد ارتش از چندی باطرف بشکرل سیاسی مهمی در ایران بازی میکند . آقایان اسناد و مدارکی را که اینجا ارائه دادم جای هیچگونه تردیدی برای این موضوع باقی نمیگذارند . آقایان ، وای بر ملتی که امرای لشکرو افسران ارشد در کشور ایشان بیعالیتهای سیاسی پیردازند و در کارهای سیاسی مداخله نمایند . در چنین کشورها رژیم آزادی و حکومت ملی نمیتواند وجود داشته باشد ، در یازود در چنین کشورها یک رژیم دیکتاتوری نظامی بر قرار میشود که موجودیت کشور را با هوای و موسهای جاه طلبانه خود بیاد فنا میدهند و خرم هستی ملت را یکباره بسوختن میکشاند آقایان ازمنظره شکفت انگیز و سر انجام دیکتاتوری نظامی آلمان و ایتالیا بند بگیرید . بخاطر بیاورید چگونه امرای ارتش آرایش در سیاست آلمان دخالت داشته و چگونه خرم هستی زیاد برومند و ملت بینظیر آلمان در آتش جنگ سوخته شد . ملاحظه مفرمائید رژیم شوروی هم یک نوع دیکتاتور بسیار نیرومندی است که شاید سرانجام آن نیز بسیار رقت انگیز باشد . آقایان بخوبی میدانند تیمسار معظم وزیر جنگ نیز کاملاً مطلع هستند چگونه تیمسار سیهبد رزم آراء رئیس ستاد ارتش مرکز نقل سیاست این کشور میباشد (صحیح است) و تمام اوقات گرانبهای ایشان صرف ملاقات باعده ای از همین نمایندگان حاضر در مجلس میشود . جناب آقای ساعد و سایر آقایان وزیرا بخوبی مقلند چگونه تیمسار محترم رئیس ستاد ارتش سیاست دربار شاهنشاهی را تحت اقتدار و تسلط خود در آورده اند آقایان ، خیانت آن تیمسار محترم بمقام شامخ سلطنت مشروطه ایران و شخص شخص اعلیحضرت محمد رضا شاه . پهلوی پدر تاجدار ملت ایران همین است که اولاً ایشان بدون مجوز قانونی در میدان سیاست قدم گذارده اند و ثانیاً تمام بازیهای سیاسی را بفتح خود میچرخانند و در تمام مراحل با حسابگری کامل سعی دارند مهر و محبت شاهنشاه محبوب را از قلوب ملت زائل سازند . چند روز پیش همانطور که عرض کردم هنگامیکه آن تیمسار معظم در چاله میدان تحت سرپرستی کانون هدایت افکار راجع با امنیت کشور سخنرانی مفرمودند صحبت های ایشان با کف زدنهای بعضی چاپلوسان همراه بود و یکی از متملقان فریاد برآورد زنده باد تیمسار شخص دوم مملکت ایران . این لفت بگوش ملت ایران بسیار سنگین است و نمکنست تا چند صباح دیگر زبانم لال و هزار مرتبه لال مبدل بشخص اول مملکت بشوند (زنک رئیس) .

باتما قلیج - هیچوقت نخواهد شد . **نایب رئیس** - این مطالب صلاح مجلس نیست . آقای باتما قلیج شما هم صحبت نکنید . **دکتر بقائی** - آقای باتما قلیج شما آن قسم نامه را امضاء میکنید ؟ **باتما قلیج** - بلی بنده امضاء کنم .

گرفتاریها و علاج دردردها که برای کشور لازم است و ملت ایران با کمال بیصبری انتظار آنرا دارند . اما بطوریکه نمایندگان محترم استحضار دارند ، آقای حاجری زاده و مکی راجع بباذاشت آقای آقا سید ابوالقاسم کاشانی و توقیف بعضی از جرائد و مدیران و نویسندگان آنها که از طرف فرمانداری نظامی تهران بعمل آمده در سوم اسفندماه ازسبب امیراحمدی استیضاح مشروح و مفصلي نمودند و با اینکه آقای حاجری زاده در جلسه ۱۵ اسفند ماه این استیضاح را متوجه اینجناب ننموده و مربوط ببولت دانستند ولی چون قسمت مهم مندرجات آن راجع بامورین نظامی میشود ، علیهذا وظیفه خود میدانم که برای رفع هرگونه سوء تفاهم و روشن شدن قضایا در این موضوع توضیحاتی بفرستد مجلس شورایملی برسانم .

۱- چنانکه نمایندگان محترم در نظر دارند در جلسه ۱۶ بهمن ماه ۱۳۲۷ شرح سوء قصد خائنانه ای را که نسبت بجبات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بعمل آمده و همچنین اقدامات سریع و مؤثری که از طرف دولت برای حفظ امنیت و آرامش عمومی اتخاذ و اعلامیه هائی که صادر گردیده بود جناب آقای دکتر اقبال وزیر کشور باستحضار مجلس شورایملی رسانیدند و مورد تأیید و تصدیق نمایندگان محترم واقع شد و درجلسه روز یکشنبه هفدهم بهمن ماه نیز مجلس شورایملی مخصوصاً با توجه با اقدامات اخیر دولت با اکثریت قریب باتفاق اعتماد خود را ببولت حاضر ابراز و اعلام داشت و باین ترتیب چون بنا براصول پارلمانی پاسخ این استیضاح ضمن این ابراز اعتماد ببولت قبلا توسط مجلس شورایملی داده شده است ،

از اینرو تصور میشود این استیضاح از نوع خود در مجلس شورایملی بی سابقه باشد . (مکی) - ما تبدیل باستیضاح از دولت کردیم (۲) - تصور میکنم نام آقایان نمایندگان محترم با اینجناب هم عقیده باشند که واقعه روز ۱۵ بهمن با توجه بمقتضیات زمان و وضعیت و مصالح کشور واقعه بسی خطرناکی بود (نمایندگان - صحیح است) که اگر مشیت خداوند متعال پنجات استقلال ایران از عواقب وحشت آور آن تعلق نگرفته بود دیگر نه آقایان حاجری زاده و مکی مجال پیدا میکردند که با سری آسوده و خیالی فارغ چنین استیضاحی را بنمایند و نه اینجناب فرصت مییافتند که جواب آنرا بفرستد مجلس شورایملی برسانم . (مکی)

۳- چنانکه نمایندگان محترم استحضار دارند از قرائن و مدارکی که تا بحال بدست آمده این توطئه خائنانه از مدت هایش زمینه سازی شده بود و مخصوصاً از چند ماه باینطرف در برخی از روزنامه ها از راه اسائه ادب و اهانت بمقام سلطنت و مساحت مجلس شورای ملی و تحقیر و تخفیف دولت دائماً بتحریر و اغوای مردم بر علیه حکومت میپرداختند و مطابق پرونده هائی که در اداره شهریاری موجود است در گوشه و کنار همین شهر تهران انجمنها و مجامعی تشکیل وبا ایراد نطقها و دادن میتینگها و نایشاتی بر ضد امنیت و آسایش صوبومی دست بمعاملات خطرناکی زده بودند که اگر پس از واقعه خائنانه ۱۵ بهمن طبق ماده ۲ قانون حکومت نظامی بسرعت و شدت از توسعه و تکمیل این

عملیات جلوگیری نمیشد و عناصر مورد سوء ظن فوراً توقیف و شروع به تحقیقات نمیشد ، با تکرانی و اضطرابی که در اثر این واقعه در سراسر کشور ایجاد شده بود ، مسلماً اشکالات و معظورات بزرگی برای دولت بوجود میامد و همین نظر هم بود که عملیات سریع دولت مورد تأیید نمایندگان محترم واقع گردید پس اقداماتی که در توقیف بعضی از جرائد ناصالح و غرض آلود و باذاشت مدیران و نویسندگان و معاصکه این اشخاص شده است برای جلوگیری از ادامه این تحریکات و خنثی کردن تأثیرات زیان آور آنها بوده و نتایج معاکمه این اشخاص نیز تدریجاً باستحضار عامه خواهد رسید .

۴- اما راجع به آقای سید ابوالقاسم کاشانی بنا برسوابق و پرونده های موجوده در اداره شهریاری متأسفانه ایشان با وظائف مقدسی که از لحاظ مقام روحانیت خویش داشتند بعوض هدایت و رهبری مردم آلت اجرای مقاصد سوئی واقع شدند و از چند ماه باینطرف چه در منزل خودشان تحت عنوان موقوفه دینی و چه در مساجد و معاقر بوسیله خود ایشان یا بدستور ایشان سخنرانیهای تحریک آمیز دائر بر مخالفت سریع بادولت و حمله و اهانت بدربار شاهنشاهی و سایر مقامات ایراد و اعلامیه ها و قطعنامه ها و بیانه هائی برای تهییج و تحریک مردم صادر گردیده که عین این اوراق تحریک آمیز موجود و اگر نمایندگان محترم با نظر دقت بآنها مراجعه فرمایند تصدیق خواهند فرمود که تماماً بر خلاف مصالح کشور و بر ضد امنیت و آرامش عمومی بوده و بطور کلی زمینه های مناسی را برای وقایع شومی نظیر واقعه روز ۱۵ بهمن تهیه مینموده است . بنا بر همین سوابق موجوده که از هر حیث ایجاد سوء ظن مینموده وقتی که طبق ماده ۵ قانون حکومت نظامی ایشان را باذاشت کرده اند اولاً از ایراد جواب بهر گونه سئوالات و تحقیقاتی که از ایشان شده ، امتناع ورزیده اند ، ثانیاً چون بموجب مقررات همان ماده پنج شخص مورد سوء ظن بایستی تا خاتمه حکومت نظامی در توقیف بماند و ایشان هم اخطار شده که تا سوء ظن رفع نشود در توقیف خواهند ماند ، بنا بر گزارش دادستان نظامی ایشان در جواب تقاضا کرده اند بسلاطانی در تهران توقیف نشوند و بدین جهت بفرم آباد اعزام شدند (مکی - تکذیب میکنم) و بعد از آنجاتلگراف تقاضا کردند موافقت شودیکی از مالک اسلامی خارجه بروند و برای رعایت حال ایشان این تقاضا انجام و وسائل مسافرت شان از طرف دولت فراهم گردید و این نهایت مساعدت و ازرفائی بود که بیاس احترام مقام روحانیت در حق ایشان بعمل آمد و سایر معاللی که راجع بکفایت باذاشت ایشان ذکر شده بود عاری از حقیقت و بکلی تکذیب میگردد (مکی - سند دارم از خودش) بنده برای تأیید این عرائضی که عرض کردم مدارک و اسنادی هم دارم و از نقطه نظر مقام روحانی ایشان خودداری میکنم از ارائه آنها ، اگر نمایندگان اصراری ندارند نمیخوانم (مکی - بخوانید آقا) (حاجری زاده - بخوانید به بینیم چیست ؟) آقای مکی در ضمن بیاناتشان فرمودند این عملیات اقتضاح آوری که وزارت جنگ کرده چیست که خلاف قانون عمل کرده ، بنده این یکی را میخوانم تکلیف

روشن میشود . (مکی - اقتضاح نکندم ولی گفتیم خلاف قانون (حاجری زاده - بیست پنج و شش سال است قانون دوسه سازی در این مملکت هست) نمایندگان - لازم نیست) پس خواهش میکنم توجه فرمایید . سرای ضرابی نور چشمی آقا مصطفی سالم هستم انشاء الله سالم باشید امشب حرکت از بازار ۱۰ هزار تومان آورند در صندوقخانه دست چپ پهلوی تینا کوه است ، ۴۵۰ تومان بوالله ابوالحسن ، ۴۰۰ تومان بوالدعمالی (مکی عجب خیانتی کرده ، پول داده) سید تومان بوالده سالمی ، یکصد و پنجاه تومان باقی معالجه ۴۰۰ تومان بوالده عامره ، هشتصد تومان بقیصاب ۸۵۰ تومان بنانوا که طلبکارند بدهید ، ضمناً صندوقخانه و گنجها را هم بموم نمانید آقایان هنک سوار پهلوی در بگفته بانصد تومان خرج نان نمیکند ، خانه آقا سید ابوالقاسم کاشانی ۸۵۰ تومان در یک هفته پول نانش شده ۸۰۰ تومان پول گوشش شده است این بفرا داده شده است ، باشخاص بی بضاعت داده شده است و من سند دیگر دارم آقای مکی که ایشان اعتراف میکنند که این را برای چه بصرف رسانیده اند و همینطوریکه وعده دادم با آقایان دیگر بقیه اسناد را نمی خوانم (حاجری زاده - جواب آنها گفته خواهد شد در موقع خودش من از شما متشکر کم من را روشن کردید که جواب آنرا در موقع استیضاح بدهم) و اگر میل کردند حاضر که بقیه را بخوانم ، اما راجع به بیانات آقای دکتر بقائی من آنچه فکر کردم که اگر هر آینه جزئیات فرمایشات ایشان را توضیح بخواهم بمجلس بماند ایشان برای چند روز مجبورم وقت مجلس شورایملی را اشغال کنم و این بر خلاف آن فکری است که من همیشه دارم و بنده آقای دکتر بقائی آن نظره ئی که در بوشهر دیدم آن اطفال معصومی که استخوان میچویدند آن بیغوله هائی که در شهر بوشهر بوده همیشه مرا تحریک میکنند از اینکه وقت مجلس را نگیرم یکسال است چندین لایحه برای سعادت این مردم بمجلس داده شده است ، برای این جریانات با استیضاح است . یا سؤال است یا در بر نامه است ، وقت آن نرسیده است که بسماحت این مردم کوچک ترین خدمتی بشود و این لوابخ مانده است آقای صفوی در مسافرت بوشهر همراه من بودند ، هر فرد حساسی را متأثر میکرد .

دکتر بقائی - حیات داودی هم بود .
وزیر جنگ - چه عرض کنم آقای دکتر بقائی شما میشناسید و من نمیشناسم .

صفوی - بله بله بود مرد وطن پرستی است .
دکتر بقائی - آقای رزم آراء از طریق لندن با تلگراف کرده بود که من شما را محکوم میکنم شما او را میکوبید مرد وطن پرستی بود بر خلاف تیمسار حرف نزید ، این قسمت را هم خواهش میکنم یک توضیحی راجع باین حیات داودی فرمایید **وزیر جنگ** - امام روی آن عقیده و رویه ای که هر مرد وطن پرستی باید اینکار را بکند وقت مجلس شورایملی باید بمصرف بدبختیهای ملت ایران برسد نه روی سخنرانیها و اینها ، بنا بر این بهتر دیدم که در کلیات یک توضیحی بدهم و بعد فضاوت بیلان کار ارتش و جبران اهانت هائی که آقای دکتر با وزارت ارتش کرده اند . (دکتر بقائی - شما توهین نکرده ام ، به ارتشیان هم توهین نکردم ، به سه چهار نفر نکردم و

اعلام جرم هم بر علیه آنها کردم) خوب آقای دکتر بقائی من اینطور تعبیر میکنم ارتشیان هم انتظار دارند باینکه جبران این اهانتها نسبت بآنها بشود ، (دکتر بقائی - هر جا که اهانت بود بنده پس میکنم) در حال بنده توضیحاتی عرض میکنم فضاوت را میگذازم بمجلس شورایملی (دکتر بقائی - ولی جواب مطالب را هم باید مرحمت فرمایید) راجع بقسمنی از بیانات آقای دکتر بقائی در باب جریان امور داخلی ارتش و اشاره بدستور ۴۸ (دکتر بقائی - فرمایید) برای روشن شدن افکار عامه باید در این باب توضیح بیشتری بفرستد مجلس شورایملی برسانم بطوریکه خاطر نمایندگان محترم مستحضر است فرماندهی کل قوای بری و بحری ارتش ایران بموجب قانون اساسی با اعلیحضرت همایون شاهنشاهی است (نمایندگان - صحیح است) و مطابق اصول کلی در تمام ارتشها معمول است ستاد ارتش تحت نظر فرماندهی کل مأمور اداره کردن ارتش میباشد و وزارت جنگ وظیفه تهیه اعتبارات و تدارکات ارتش را بعهده دارد از این جهت ملاحظه فرمایید که در سایر کشور ها وزارت جنگ حتماً از اشخاص ذیفن و نظامی انتخاب نشده بلکه ممکن است از بین رجال غیر نظامی هم تعیین گردد . البته با اشتغالاتی که وزیر جنگ در هیئت دولت و مجلس شورایملی دارد ، دستگاه ثابت دیگری لازم است که دائماً مراقب جریان امور تعلیمات و فرماندهی و انضباط و عملیات ارتش باشد و آن دستگاه ستاد ارتش است ، که با تغییر و تبدیل وزیر جنگ در جریان کار آن وقفه حاصل نمیشود و در این قسمت نظر اینجناب باشخاص نبوده بلکه تشریح اصول کلی است که در سایر ارتشها معمول و مجری بوده و در ارتش شاهنشاهی ایران نیز مطابق همان ترتیب عمل میشود بنده در اینجا برای اینکه توضیحی در این قسمت داده شود گزارشی که از سهید رزم آرا رئیس ستاد ارتش رسیده است و از من خواهش کرده در مجلس شورایملی بخوانم بنا بر این عین این را میخوانم . تیمسار وزیر جنگ محترماً گزارش زیر را بعرض میرسانم که در صورت موافقت در مجلس شورایملی ضمن بیانات اشاره فرمایند . با آنکه هیئت محترم دولت و تیمسار وزیر جنگ در جواب استیضاح آقای دکتر بقائی نماینده محترم کرمان نکات لازم را بعرض مجلس شورایملی خواهند رسانید فقط از لحاظ آنکه تا آنوقت ایجاد ابهام و تردیدی نشده ، سوء تفاهماتی بیانات نماینده محترم باقی نگذارد مراتب زیر را بعرض نمایندگان محترم میرسانم . با کمال تأسف بایستی بعرض برسانم ، عده ئیکه هويت آنها بر کلبه نمایندگان و افراد کشور روش است از سادگی آقای دکتر بقائی استفاده کرده .

دکتر بقائی - ماده ۱۰۹ . توهین است این حرف آقای رئیس خوب مجلس را اداره میکنید ؟
نایب رئیس آقای دکتر بقائی شمایکمیسیون از این توهین ها کردید ، این توهین نیست .
دهقان - چرا انصاف نداری ؟
وزیر جنگ - آقای دکتر نامه ای را میخوانم شما هزازان توهین کردید هیچ نگفتم ، بنده هم نامه ای را میخوانم شاهام گوش بدهید .
مکی - توهین میکنید .
رحیمیان - مقام آقای دکتر بالا تر از آن

است که تحت تأثیر قرار گیرند .
نایب رئیس - فرمایند آقای وزیر جنگ ،
وزیر جنگ - يك سلسله مطالب بی اصل و سراسر کذبی را که تاکنون چندین مرتبه انتشار داده بلاتنبجه مانده بود بیکمرتبه دیگر از دهان نماینده محترم اشاعه داده اند رسماً بعرض میرساند : کلبه این بیانات بامدرک و اظهارات خالی از حقیقت و کذب محض است چه ،
۱- خدمات این جناب تا قبل از شهریور ماه ۲۰ در کرمانشاهان و لرستان و دانشگاه جنگ روشن و سوابق آن موجود و آخرین تقدیر و نظریات اعلیحضرت فقید بهترین گواه میباشد .
۲- از شهریور ۲۰ تا این تاریخ قسمت عمده خدمت خود را با کمال افتخار تحت او امر مستقیم اعلیحضرت همایون شاهنشاهی انجام و هنوز خاطرات چند ساله اخیر از نظر ها معو نشده که توضیحات خاصی را ایجاب نماید .
۳- انتشارات اینجناب آن جنبه جغرافیائی داد تحت ۲۰ جلد کتاب منتشر و در دسترس عموم افراد است که بررسی کرده فضاوت فرمایند .
۴- سخنرانیها و بیانات نظامی این جناب هم هیچ يك جنبه محرمانه نداشت ؟ تمام حاضر و در صورت لزوم ارائه داده میشود ، در خانه بعرض میرساند ساحت مجلس شورایملی مقدس و بایستی از هر گونه اغراض و نظریات خصوصی و افکار شخصی و دشمنیها بربکار باشد . در این ساحت مقدس که بایستی از خدمتگزاران تقدیر و افراد میهن پرست را بقداکاری تشویق نمایند . اگر نمایندگان محترم ناظر اعمال و رفتار مامورین کشور خود نبوده و روی اغراض شخصی و نظریات خصوصی اشخاص فضاوت فرمایند روح علاقه مندی ، فداکاری و از خود گذشتگی را از بین خواهد برد . (نمایندگان - صحیح است) بنده همانطور که عرض کردم توضیحی را بیش از این نمیتوانم عرض کنم تقاضا کردم و استدعا کردم این دو قسمت را بقضاوت مجلس شورایملی و نمایندگان محترم واگذار میکنم یکی جریانات کنونی ارتش است که ارتش امروز در تمام مرزها با بهترین فداکارها عمل میکنند (نمایندگان - صحیح است) یکی توهیناتی که آقای دکتر بقائی به ارتشیان کرده ، جبران آن را از نمایندگان محترم ارتشیان انتظار دارند

دکتر بقائی - ولی جواب راجع بیهودی و راجع با آنها را باید ببهیدر آئی آنها که میدهند در مجلس ولی جواب بدهید . همینطور جواب میدهند سواستیضاح هم توضیح میدهند آری هم میگویند این میشود مشروطه .
نایب رئیس - تمام وزراء باید صحبت کنند .
دکتر بقائی - بندهم باید بقیه استیضاح را بکنم .
نایب رئیس - اگر مجلس اجازه بدهد باری .
دکتر بقائی - بله باری با رای مجلس .
نایب رئیس - فرمایند آقای وزیر فرهنگ و **وزیر فرهنگ** (آقای دکتر زنگنه) - آقای دکتر بقائی راجع بوزارت فرهنگ اظهاراتی فرمودند راجع بشخص بنده هم بیاناتی کردند ، لازم بود جواب عرض کنم مطالب ایشان بطور خلاصه عبارت از چند نکته بود که یکی یکی جواب عرض میکنم . یکی اینکه از دانشجویان تمهید گرفته اند که در سیاست دخالت ننمایند و دانشجویان و دانش آموزان تلگراف کرده اند ، مجلس مؤسسان را تأیید کرده اند . عده ئی در دبیرستان پهلوی متهم بعمل کارنامه بوده اند و دانه گذاری آنها را محکوم

کرده ولی برای اینکه مجازات شوند بدیوان کبیر مراجعه شده و در ضمن حقوق آنها پرداخته شده چرا رئیس دبیرستان نور بخش را تغییر دادند ؟ چرا سازمان جوانان شیرخورشید تشکیل شده است ؟ و چرا جوانان جمع آوری اعانه مینمایند و مشار این امور هم آقای علامه هستند و بالاخره چرا یکمده از دبیران را منتظر خدمت کرده اند ؟ بنده خیلی خوشوقت شدم که یک فرصتی پیدا شده که تا اندازه ئی وضعیت فرهنگ را بعرض آقایان نمایندگان محترم مجلس شورایملی برسانم . راجع بگرفتن تمهید از دانشجویان یکروز در روزنامه های پاریس بتحریر مفرضین نوشتند که دانشجویان را از دخالت در سیاست منع کردند و يك جمعیت بیخبری هم کاغذی نوشت و اعتراض کرد که چرا اینطور کرده اید برای آنها ایرادی نیست ، بی خبر بوده اند ، بی اطلاع بوده اند یا مفرض بوده اند ولی از آقای دکتر بقائی خیلی تعجب است که ایشان در دانشگاه بودند و اطلاع داشتند و میدانستند چطور تمهیدی گرفته شده است این تمهید متشن اینست : (دکتر بقائی - فرمایند) « اینجناب فلان دانشجویی سال فلان دانشکده فلان تصدیق میکنم که از مقررات دانشگاه مربوط باندانشجویان و مخصوصاً از این اصل مهم که دانشگاه محل تعلیم و تربیت و تحقیقات علمی است و از لحاظ مرام و مسلک سیاسی بیطرفی کامل را رعایت مینماید ، اطلاع کامل دارم و متعهد میشوم مقررات مزبور را در تمام دوران تحصیلی خود رعایت نموده و در محیط دانشگاه هیچوجه در امور سیاسی و تبلیغات مرامی و مسلکی دخالت و فعالیتی نکنم البته در صورت تخلف تصمیمات انتظامی دانشگاه درباره اینجناب واجب الرعايه خواهد بود » این تمهیدی است که از دانشجویان گرفته شده است ، چرا این تمهید گرفته شد ؟ تمهید گرفته شد بجهت اینکه هر روز ما میدیدیم در دالان دانشکده ها در حیاط دانشکده وحتى تا این اواخر در کلاسهای دانشکده ها تا صحبتی میشد زنده باد و مرده باد از یک طرف بلند میشد ، دستجات مختلف مبارزه سیاسی در محیط دانشگاه میکردند اگر امری یا تهنیتی از طرف دانشگاه یا از طرف معلمین میشد فردا در روزنامه ها شروع بفحاشی میشد که چرا اینطور و چرا آنطور شده است ، آقای دکتر بقائی که خودشان معلم هستند (دکتر بقائی انتحار دارم) تصدیق خواهند کرد و بقول استاد بزرگ فلسفه فرمودند که من افلاطون را دوست دارم ولی حقیقت را بیشتر دوست دارم پس باید در دانشگاه ، در جایئیکه تدریس میشود بایستی که حقیقت صحبت بشود حقیقت باید باینطرف و آنطرف ملحوظ بشود اگر در يك محیطی صحبت از افلاطون شد گفتند زنده باد افلاطون اگر صحبت از سقراط شد گفتند مرده باد ارسطو - در آنجا فلسفه نمیشود تدریس کرد (مکی - درس مجلس مؤسسان میشود داد) دانشکاه هم این تمهید را گرفت ولی بنده خودم سهمی که در دانشگاه داشتم مکرر گفتم و تمام استادها هم مکرر گفتند که دانشجویان در خارج از دانشگاه کاملاً آزادند و چون تحصیل کرده هستند و وظیفه آنها است که داخل در سیاست بشوند و قانون را برآنها داده است از طریق قانونی نظر سیاسی خودشان را اجراء میکنند . هیچکس نگفت که شاگرد دانشگاه یا دانشجو دبیرون اگر حق رای دارد ندهد ، اگر نظر سیاسی دارد در روزنامه ها

نویسد. اما در محیط فرهنگ بنده این شهادت را راجع بسلفهای خود در وزارت فرهنگ عرض میکنم و راجع بخود هم تأیید میکنم که دستور اکید صادر شده که فرهنگی ما هیچوجه درسیاست و باز هم در محیط مدرسه دخالت نکنند. آلا نمونه این متحدالما لها اینجا است که برای کوتاه کردن مطلب بنده اشاره نمیکند.

دکتر بقائی - بفرمایند کوتاه نکند مطلب را جواب لازم دارد عرایض بنده رأی اعتماد میگیرید ممکن است جواب ندهید اصلا ولی جواب باید بدهید.

نایب رئیس - آقای دکتر بقائی جواب را باید بدهند ولی اگر خواستند چیزی را نخوانند اصرار نمیشود کرد که بخوانید شاهام میگفتند که مدارک دارم و نمیخوانید.

وزیر فرهنگ - من میفهمم جواب شما را میدهم (دکتر بقائی - پس اظهار نکنید من مدارکی دارم) آقای رئیس فرهنگ به معلم از این لحاظ مربی میگویند که در وظیفه مهم فرهنگی آموزش و پرورش راعهده دارنده است بر طبق برنامه دروس آموزگاران امروز از طرفی با توجه باصول اخلاقی و دینی و روانشناسی بتقویت روح و جسم آنها پرداخته و پایه خدا شناسی ومیهن پرستی را در نهاد آنها تحکیم ومبانی راستی و درستی را و با آن نشان میدهند و از این مقدمه اینطور نتیجه گرفته میشود که آموزشگاه محل تعلیم و تربیت است الی آخر خلاصه میگوید نباید هیچوجه در محیط فرهنگ درسیاست دخالت بکنند و مورد دست بنده و گفتگو باشند (دکتر بقائی - تلگرافات رمز راهم بفرمایند) تلگرافات رمز را هم عرض میکنم و اما اینکه بنده عرض کردم دو مطلب است یکی راجع بدخالت درسیاست است، اینکه بنده عرض کردم اولاً منی که شده است راجع بدخالت سیاسی از طرف دانشجویان.

نایب رئیس - اجازه بدهید اکثریت نیست (پس از چند لحظه اکثریت حاصل شد) بفرمایند **وزیر فرهنگ** - منع دخالت درسیاست

از طرف دانشجویان و معلمین در محیط فرهنگ ولی اگر کسی در بیرون خارج از فرهنگ تلگراف بکنند حرف بزند، هر کار بکنند مسئولش پدر و مادر و خانواده او هستند ما مسئول اشخاص در توی روزنامه نیستیم وزارت فرهنگ مسئول محصل است در مدرسه و اگر آقای دکتر بقائی نشان میدادند سندی که وزارت فرهنگ دستور داده است که در تمام امور شاگردان تلگراف بکنند این حرف صحیح است (دکتر بقائی جناب آقای دکتر زنگنه من از وجدانتان سؤال میکنم که تلگراف محرمانه کرده اید یا نکرده اید وجدانتان را بقضات و اگذار میکنم که آیا تلگراف رمز کردید که تلگراف بکنند یا نه؟ از وجدان شما نه از شما وزیر فرهنگ از آقای دکتر زنگنه ایل زنگنه باسرافت با وجدان شما تلگراف محرمانه کرده اید که تلگراف بکنند یا نه؟) اگر قول بنده را قبول دارید نکردم (بعضی از نمایندگان - احسنت) (دکتر بقائی - احسنت نکوئید آقا، احسنت نکوئید عذاب وجدانی گرفته است) (یکی از نمایندگان - آقای دکتر زنگنه آدم با وجدانی است) (دکتر بقائی - میدانم آدم با وجدانی است و همین جهت هم وجدانش اذیتش میکند، میدانم معذور است و تأسف معذور چون دلم میوزد و

دوستش میدارم) وزارت فرهنگ در دانشگاه تبلیغات سیاسی را منع کرد ولی یکمده تبلیغات را ماصراحتاً میگویم که ما خواهیم کرد و باید بکنیم بلی، وزارت فرهنگ موظف است بگوید، کیست از آقایان بگوید که تبلیغ دین اسلام را نباید بکنیم، کیست از آقایان که بگوید که ما تبلیغ وطن پرستی را نباید بکنیم ما این تبلیغات را شدت تمام خواهیم کرد (بعضی از نمایندگان - آخرین - احسنت) و امیدواریم افراد ایرانی متدین و وطن پرست و شاهدوست بشوند (بعضی از نمایندگان - احسنت، احسنت) ما بشاگردهای خودمان تبلیغ خواهیم کرد و اصرار خواهیم کرد و خواهیم گفت که این اشعار بزرگان را در نظر بگیرند بگویند که آشتیایان ره عشق گرم خون بخورند کافر مگر بشکایت بر بیگانه روم (بعضی از نمایندگان - احسنت) یا بگویند که حقا که با عقوبت دوزخ برابر است

رقتن بیامردی بیگانه در پشت (دکتر بقائی - الزامی نباید داشت که حتماً انسان بجهنم برود) راجع بقضیه دبیرستان پهلوی آقای دکتر خوشبختانه بوزارت فرهنگ گزارشی شد و تحقیق کردند و گفتند عده ای متهم بجمل کارنامه و دادن نمره بیجا هستند وزارت فرهنگ آنها را با کما کشته، اتهام است ما نمیتوانیم الان عرض بکنیم که این صحیح است یا صحیح نیست، رفته است بدادگاه اداری و آن شخصیکه آقای دکتر بقائی خیلی عقیده دارد باو در آن دادگاه مدعی العموم بوده است در نتیجه دادگاه اداری سخت ترین تصمیعی که ممکن بوده گرفته است یعنی تشخیص داده است که این امر یکی از اموری است که اگر ثابت شود امر جنائی است و دادگاه اداری صلاحیت ندارد (صحیح است) و اینها را بدیوان کفر فرستاده است بعد بنده وقتیکه آمدم در اینجا گفتم این اشخاص یعنی با استنباطی که کردم گفتم این شخصی را که فرستاده اید بدیوان کفر باید معلق هم بشود یعنی بنده سختگیری هم کردم (برزین - حق نداشتید) (دکتر بقائی - جناب آقای برزین میفرمایند حق نداشتید و من بایشان احترام میگذازم) (برزین - بلی حق تعلق هم نداشته اند تا قرار و ادعای نامه صادر شود) صحیح میفرمایند بنده گفتم تا ادعای نامه صادر نشود البته این را بنده وارد عملش نبودم چون اختلاف بین ماده ۴۰ و ۴۱ قانون استخدام کشوری است بهر حال دیوان کفر گفت تا ادعای نامه صادر نشده است نباید اینها را تعلق کرد و تعلق آنها رفع شد کجای این خلاف قانون بوده است بفرمایند که یکی از نمایندگان - پس گرفتند) خیر فرمودند که در دبیرستان نور بخش چرا یکمده ای را منتظر خدمت کردند قبل از اینکه جواب عرض کنم ممکن بود که بنده عرض کنم که باین مطلب جواب نمیگویم باینجهه که یک امر اداری است و یک وزارتخانه ای حق دارد مستخدم خودش را بیک وقت صلاح دانست بگوید منتظر خدمت با بگوید از این مدرسه بر جای دیگر ولی با وجود این عرض میکنم که محیط نامساعدی در آنجا تهیه شده بود و بعضی اینکه گفت مدیر از اینجا بر بان مدرسه دخترها انقلاب کردند، دخترها شلوغ کردند و بنده هم مدرسه را تعطیل کردم، چند روز

و ضروری بصیبت دیدگان و زلزله زدگان و بسولین و بیویان، آشنا نمودن جوانان بانضباط و نظم و ادب و علاقه مند ساختن آنها بنظافت فردی واجتماعی تهذیب اخلاق جوانان و ترویج سادگی میان آنها و احتراز از تجملات و تشویق آنها باستعمال امته وطن، آموختن اصول اقتصاد و صرفه جوئی بکودکان و جوانان و عادت دادن آنها به پس انداز، مبارزه به بیکاری و ولگردی، گدائی، میخوارگی، افیون و قمار این مرام این جمعیت است و هیچ کوچکترین دخالتی در سیاست نکرده اند (دکتر بقائی - بسیار مرام خوبی است) آقای دکتر بقائی گفتند چرا بچه ها در کوچها اعانه جمع میکنند، مگر ما در اروپا ندیده ایم، بنده خود دیده ام گمان میکنم دیگران هم دیده باشند، این جمعیت مانعی ندارد در سازمان شاهنشاهی... (دکتر بقائی - اداره سازمان چیست) اداره وجود ندارد (دکتر بقائی - چه طور ندارد بنده رئیس را میدانم) اداره وجود ندارد و در این جا بعنوان خصوص تحت نظر آقای یزدانفر که از مدیر کل های وزارت فرهنگ است، (دکتر بقائی - پس اگر بنده مارکش را آوردم خدمتتان چه میفرمایند باید پس بگیرد) آقای دکتر بقائی میگویند اینجا گدا درست میکنند برای ما، بنده فقط یک اشاره ای میکنم و میگورم در چند وقت پیش سازمان شاهنشاهی و خدمات اجتماعی با زحمت زیاد و پول گزافی دو سه هزار تومان دادند بیک طبیبی که برود بجزیره قشم چون هیچکس حاضر نبود با نجا برود کاغذی که با آقای دکتر آشتیانی نوشته بود این بود که گفته بود اول دفعه که من وارد شدم و مدتی هم آنجا بودم مردم تعجب میکردند که چه شده در تهران چه واقعه فوق العاده ای پیش آمده است گفتم چرا گفت برای اینکه بعد از فرنا تهران بیاید ما افتاده اند که طبیب برای ما فرستاده اند ما تعجب کردیم از آنها (فرامرزی - همه جا کارهایش اینطور است) راجع باین سازمان آقای دکتر بقائی فرمودند که اینها تمام مربوط و تقصیر آقای علامه وحیدی است که مشاور قضائی است بنده متأسفم که یک وقت آقای دکتر بقائی بطریق دوستانه ایراد میکردند با آقای مهندس رضوی که ایشان در ضمن استیضاحشان هر کس هر حرفی زد هر کس یک نفعی کرد ایشان بعنوان یک سند قطعی آوردند پشت تریبون اظهار کردند متأسفانه مثل اینکه آن عمل

را خود آقای دکتر بقائی هم میکنند بجهه اینکه این شخص اولاً یک شخص محترمی است (صحیح است) مجتهد است (دکتر بقائی - خودم قبول دارم) شاعر است (دکتر بقائی - این را هم قبول دارم) نویسنده است (دکتر بقائی - قبول دارم) و از همه مهمتر ایرادی که برایشان گرفتند این است که گفتند سردقتر بودند سردقتر در همه جای دنیا بسیار محترم است که مردم اعتماد دارند بآن (دکتر بقائی - بسیار صحیح است ولی دلیل استخدام نمیشود من گفتم چرا استخدام کردید تمام مراتبی که فرمودید تصدیق میکنم اما اینها دلیل استخدام با رتبه ۹ نمیشود) چرا میشود (دکتر بقائی - ممنوع بوده است طبق دستور جناب آقای گلشایان) بهرحال ایشان که ۳ ماهی بیشتر نیست که در وزارت فرهنگ هستند در صورتیکه این سازمان در سال ۲۶ تأسیس شده است و اطلاعی هم شاید از این سازمان ندارند همینطور ایراد و اعتراض دارید که گویا بنده دستورات جناب آقای دکتر اقبال همکار محترم خود را احترام میکنم (دکتر بقائی - متأسفانه بلی) عرض کنم آقای دکتر اقبال هیچ دستوری بوزارت فرهنگ نداده اند (دکتر بقائی - بانسانی ذکر میکنم) ولی اگر نصیحت و راهنمایی بکنند بعنوان اینکه یک نفر عضو کابینه و همکار محترم بنده و رفیق جنابعالی و استاد دانشگاه هستند بنده با کمال اطمینان میپذیرم (دکتر بقائی - البته از ایشان میپذیرم، همه میپذیرند) نتیجه اش راهم عرض میکنم (دکتر بقائی - راجع به ۵۰ تومان چرا فرمودید؟) اجازه بفرمایند ۵۰ تومان مطابق قانون حقوقی که برای امتحان با برای نام نویسی گرفته میشود حقوقی است که شورای عالی وزارت فرهنگ پیشنهاد میکنند و دولت میپذیرد و تصویب میکند ۵۰ تومان برای اشخاص متفرقه، اشخاصی که تحصیلات مرتبی نکرده اند قرارداد شده، چه اشخاص هستند این اشخاص؟ اشخاصی هستند که میآیند در امتحان شرکت میکنند و نود درصد رد میشوند و اسباب زحمت وزارت فرهنگ را فراهم میکنند و شاید بعضی اوقات سعی میکنند که قبول بشوند و تصدیق را بگیرند و بعد هم فوراً بیایند بوزارت فرهنگ، برای این اسباب زحمتی که برای امتحانین و کارکنان وزارت فرهنگ ایجاد میکند حقوقی از آنها میگیرند اینها محصل مدرسه نیستند، از بیرون

میآیند میگویند ما را امتحان بکنید، یک پولی از آنها میگیرند و هیچ مخالف قانون نیست. **نایب رئیس** - اگر اجازه بفرمایند آقای وزیر کشور جوابی دارند بفرمایند. **وزیر کشور** - اجازه بفرمایند دو سه کلمه عرض کنم، عرض کنم عرایض بنده خیلی خیلی مفصل است و در حدود سه ساعت باید وقت لازم داشته باشد اگر آقایان تحمل میفرمایند بنده سه ساعت باید عرض کنم در جواب آقای دکتر بقائی و آقای دکتر بقائی و سایر آقایان اطمینان میدهم که دولت هیچ وجه - من الوجوه تقاضای رأی اعتماد نخواهد کرد (صحیح است) بهیچوجه و اینکه ایشان میگویند که دستور هست که امشب از مجلس شورای ملی تقاضای رأی اعتماد بکنیم بنده تکذیب میکنم و برخلاف حقیقت است و اگر آقایان تحمل میفرمایند بنده در حدود سه ساعت عرایض را بکنم ولی اگر اجازه نمیفرمایند که عرایضم را تمام بکنم و نیمه تمام باشد موقوف بکنید برای جلسه بعد. **نمایندگان** - باشد برای بعد. **نایب رئیس** - اجازه بفرمایند آقای دکتر شفق بیانی دارند بفرمایند. **دکتر شفق** - اگر اجازه بفرمایند بنده با کمال ارادتی که بجناب آقای دکتر اقبال و هیئت محترم دولت دارم و رأی هم خواهم داد ولی وکیل را نمیشود محدود کرد ولی میشود از اعضای دولت تمنی کرد که جواب خود را خلاصه کنند، ایشان میفرمایند سه ساعت میخواهند صحبت کنند بنده با این وضع مجلس این را صلاح نمیدانم من استدعا میکنم حالا که دولت نمیخواهد رأی اعتماد بگیرد جلسه دیگر را معین کنند و ازدولت هم خواهش میکنم در ظرف یک ساعت یکساعت و نیم جواب بدهند. **قبادیان** - دولت حق دارد صحبت کند. **۲ - ختم جلسه** **نایب رئیس** - اگر اجازه بفرمایند جلسه روز یکشنبه سه ساعت قبل از ظهر دستور جواب دولت باشد. در این موقع مجلس ساعت ۸:۵ بعد از ظهر ختم شد. رئیس مجلس شورای ملی - **رضا حکمت**

شماره ۱۸۴۴۳۷۰۰ ر ۲۸۲۲۱۸

**آقای عبدالحسین محرر زاده دفتر یار
درجه اول تبریز**

بموجب این حکم بسمت سردفتری اسناد رسمی
درجه سوم شهر تبریز منصوب میشود طبق مقررات
مشغول انجام وظیفه شوید.

وزیر دادگستری

۲۸۲۲۱۸

شماره ۳۰۹۸۱۰۹۴

آقای ابراهیم چلبیانلو ویجویه

بموجب این ابلاغ دفتر شما را در دهستان
نازلوچای رضاییه برای ثبت ازدواج و طلاق رسمیت
می دهد.

وزیر دادگستری

۲۸۲۲۱۸

شماره ۳۶۰۲۱۰۷۴

آقای یوسف اسمعیلی

بموجب این ابلاغ دفتر شما را در دهستان اشکور
علیا برای ثبت ازدواج رسمیت میدهد.

وزیر دادگستری

۲۸۲۲۱۸

شماره ۳۰۹۶۱۳۸۸

**آقای عباسقلی فخر واعلی سردفتر اسناد
رسمی شماره ۵ مراغه**

بموجب این ابلاغ استعفای شما از تصدی دفتر
اسناد رسمی پذیرفته میشود.

وزیر دادگستری

انتصابات و احکام

شماره ۳۱۱۱۱۳۴۴۸ ر ۲۸۲۲۲۰

در وزارت کشور

آقای عزیزالله محمد زاده کارمند منتظر خدمت
از تاریخ ۲۲۸۲۲۲۰ بسمت معاونت فرمانداری
شهرستان اراک منصوب شدند.



شماره ۶۰۱۸۱۶۷۲ ر ۲۸۲۲۱۰

آقای حسن فرنام بخشدار سیاهکل از تاریخ اول
اردیبهشت ماه ۲۸ بسمت بخشدار آستانه منتقل شدند

شماره ۳۹۲۴۲۰۲۸ ر ۳۲۸۲۲۱

**آقای رضا نخعی سردفتر اسناد رسمی
سابق خمین**

بموجب این ابلاغ رفع تعلیق شما را از تصدی
دفتر اسناد رسمی اعلام میدارد طبق مقررات مشغول
انجام وظیفه شوید.

وزیر دادگستری

اولین آگهی نوبتی خواهد بود

ماده ۶۴ آگهی های مذکور در ماده ۵۹ باید
تا ۱۵ روز قبل از تاریخ انتشار بروزنامه هائیکه
برای انتشار آگهی تعیین شده رسیده باشد
وزیر دادگستری ۸۶۹-۲

شماره ۳۷۲۰ ر ۱۹۲۰۲

اصلاح آئین نامه قانون ثبت

مواد ۶۴ و ۵۹ آئین نامه قانون ثبت مصوب سال
۱۳۱۷ بشرح زیر اصلاح میشود - ماده ۵۹ آگهی
های درخواست ثبت املاک مجهول المالك در هر سال
بارهايت قسمت اخير ماده يازده قانون ثبت بطريق زير
بايد منتشر شود :

۱- در خواستهای ثبت قبول شده در فروردین و اردیبهشت
و خرداد هر سال در اول مرداد ماه همان سال

۲- در خواستهای قبول شده در تیر و مرداد و شهریور
هر سال در اول آبان ماه همان سال

۳- در خواستهای قبول شده در مهر و ابان و آذر
هر سال در اول بهمن ماه همان سال

۴- درخواست های قبول شده در دی و بهمن
و اسفند هر سال در اول اردیبهشت ماه سال بعد

تبصره ۱- آگهی هائی هم که طبق دستور به ثبت
نظارت باید تجدید شود ضمن آگهی های فوق

در قسمت مخصوص باقید عنوان آگهی های اصلاحی
منتشر میگردد

تبصره ۲- هر گاه ملكی كدر موعده مقرر فوق
آگهی نشده باشد باید در آگهی های سه ماهه بعد

منتشر گردد

تبصره ۳- در مواردی که روز انتشار آگهی نوبت
اول با تعطیل عمومی تصادف نماید باید نوبت اول آن

آگهی بلا فاصله روز بعد از تعطیل منتشر گردد و
در این مورد مبداء مدت و اخواهی از همان روز انتشار